



نشریه فرهنگی - خبری

سنگر سازندگان

کانون سنگر سازان بی سنگر

شماره ۱۰۵ - مرداد ماه ۱۴۰۱

- * پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد؛ ضرورت تبیین لایه‌های پنهان
- * نهضت تبیین جهاد
- * جهاد سازندگی؛ تاریخچه تشکیل و خلاصه عملکرد
- * رسم جهاد
- * گزارش سی و دومین جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون‌های استان‌ها و شهرستان‌های ویژه

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ



سال های مجاهدت خاموش و دشوار آزادگان
عزیز ما در اسارتگاه های عراق از جمله ی مقاطع
فراموش نشدنی تاریخ پرشکوه ما است. مقام معظم رهبری مدظله العالی



۲۶ مردادماه

سالروز بازگشت آزادگان
به میهن اسلامی گرامی باد.



سنگرز بی سندر

بسم الله الرحمن الرحيم

باتشکر از همکاری:

کانون‌های سنگرزسان بی سندر استان‌ها و
شهرستان‌های ویژه و کلیه عزیزانی که ما را
در تهیه این شماره یاری کردند.

صاحب امتیاز:

کانون سنگرزسان بی سندر مرکز

مدیر مسئول:

محمد صدوری

سر دبیر:

فتح الله ناده‌علی

مدیر اجرایی:

مجید صفی

همکاران این شماره:

حجت ترشیزی، عبدالله فاتحی،

مهدی محمدی، علی مشایخی،

جواد کاظم فرحزادی و کوروش

اکبری فرد

در این شماره می‌خوانید

۴	سخن نخست
۷	پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد؛ ضرورت تبیین لایه‌های پنهان
۱۱	انسان جهادی، مأموریت جهادی و سازمان جهادی
۱۵	کتاب رسم جهاد ۱
۲۲	جهاد سازندگی؛ تاریخچه تشکیل و خلاصه عملکرد
۳۴	عاشقانه؛ سرخط
۳۶	گزارش آخرین وضعیت از طرح بروزرسانی اساسنامه کانون سنگرزسان بی سندر
۴۰	از ایثارگران به ...
۴۱	جهت استحضار
۴۲	اخبار

* تصاویر به کار گرفته شده در این نشریه از کلیات
فعالیت‌های سنگرزسان بی سندر می‌باشد و الزاما منحصر به
مطلب مندرج نیست.

* نشریه سنگرزسان بی سندر آماده دریافت مطالب،
خاطرات، دلنوشته‌ها و... شما عزیزان می‌باشد.

* نشریه در تلخیص یا ویرایش محتوای ارسالی مختار
می‌باشد.

فتح الله نادعلی

سخن نخست

عاشورا، چشمه ی زلال و جوشان رضایتمندی از آغاز تا همیشه ی تاریخ

اندرک ما خیری کثیری می بخشد؛ «یا من یعطی الکثیر بالقلیل». و این یعنی یک «زندگی ایمانی»! از عناصر یک زندگی ایمانی، راضی بودن نسبت به مقدرات الهی

ما آمده ایم که بندگی کنیم؛ بندگی آن خالق بی همتا و آن خدای مهربان تر از مادر! پروردگاری که همه از اویم و به سوی او باز می گردیم؛ «انالله و انا الیه راجعون» و بندگی یعنی اوج تعالی؛ قله ی سعادت، نهایت نشاط و شادکامی و بالاخره انتهای بی کران رضایت مندی، از خدایی که به

است. رضایت از خداوند نهایت درجه کمال انسان مومن در زندگی است. در این حالت سختی و راحتی، تلخی و شیرینی تعادل انسان در بندگی را نه فقط لرزان نمی کند؛ بلکه پایه های بندگی را محکم و امید و نشاط را در گذران زندگی به ارمغان می آورد. رضایتمندی از قادر متعال تمام حوادث زندگی را زیبا می سازد. حادثه محرم، تاریخ کربلا و ماجرای عاشورا و حوادث پس از آن یک فرهنگ آکنده از آموزه ها و عبرت ها ست. یکی از زیباترین پیام های عاشورا؛ رضایت از حضرت حق در شرایط مختلف است. حضرت سید الشهداء علیه السلام در سخت ترین شرایط ممکن سر به آسمان بر می دارد و می فرماید: «الهی رضا به قضائک» و حضرت زینب کبری سلام الله علیها حادثه غم بار روز عاشورا و تلخی های دوران اسارت را زیبا می بیند و می فرماید: «ما رایت الا جمیلا». حضرت قاسم علیه السلام کشته شدن را شیرین ترین

فصل از زندگی خویش بر می شمرد

و یاران امام در شب عاشورا زیبا ترین و با نشاط ترین شب زندگی خود می گذرانند؛ با آن که می دانند؛ فردایی بسیار خون بار در انتظارشان است. امام حسین علیه السلام هنگامی که می خواست از مکه به سمت عراق عزیمت نماید؛ در

خطبه ای این چنین می فرماید: «ما اهل بیت به آن چه خدا راضی است، راضی و خشنودیم. در مقابل بلا و امتحان او، صبر و استقامت

می ورزیم. او اجر صبرکنندگان را به ما عنایت خواهد فرمود.»

با گذشت قرن ها از آن واقعه ی عظیم، حرکتی در امتداد نهضت امام حسین علیه السلام آغاز گردید و درس های کربلا به زیبایی مرور؛ انقلاب اسلامی، هشت سال دفاع مقدس و اکنون در سال ۱۴۰۱ در آستانه ی عاشورایی دیگر!

فرزندان این مرز و بوم و مردم پای بند به ارزش های حاکم بر مکتب خونین سالار شهیدان، با شناخت یزید زمان خویش به هم گره می خورند و با تاسی به واقعه ی کربلا، به آن چه خداوند مقدر فرموده بود راضی می شوند. در گاه پیروزی ها مغرور نمی گردند و در هنگامه ی شکست زبان به شکایت نمی گشایند و با امید به لطف خداوند از تلخی ها دریچه ای زیبا برای بندگی خدا باز می کنند. یادمان هست که هشت سال حماسه ی دفاع مقدس سرشار از درس رضایتمندی از خدای بزرگ بود. مردم خوب این سرزمین و فرزندان دلاور این خطه در یک زندگی هشت ساله نشان دادند که درس رضایت از خدا و انجام تکلیف الهی تحت هر شرایط را به خوبی آموخته اند. آن ها دو نگاه به هشت سال جنگ داشتند؛ اول این که جنگ یک بحران عظیم در مسیر انقلاب اسلامی است و باید دست در دست هم، این بحران را



مدیریت نمایند و نگاهی فرا تر این که جنگ تقدیر الهی است و خواست خداوند بزرگ. خوبان این دیار معتقد بودند: «قطره ای کز جویباری می رود؛ از پی انجام کاری می رود.» از این جهت رخداد جنگ را واقعه ای ارزشی پنداشتند که از سوی خداوند بزرگ برای این ملت سرافراز مقدرشده است. حضرت امام (ره)، مردم و مسئولان نظام اسلامی با این نگاه، شرکت در زنجیره ی

مردم ما به خوبی نشان داده اند که عاشق مرام حسین اند. مردان خوب این دیار می خواهند حسینی باشند و زنان پاکدامن این دیار زینبی. اینان در هشت سال جنگ، دفاع از دین و ارزش های دینی و انسانی را بارها تمرین کرده اند. اکنون که جامعه ی ما نیازمند تعالی فرهنگی است، احتیاجمان به مرور درس های عاشورا بیش از هر زمان دیگر است.

دین آکنده از مولفه های حیات بخش است و تاریخ اسلام نیز سرشار از الگوهای عملی؛ از قیام سید و سالار شهیدان علیه السلام تا هشت سال دفاع مقدس و تا کنون و تا بعد! همه چیز مهبیاست؛ تادیر نشده خود را دریابیم؛ کربلا ما را به خود می خواند و یاران سید الشهداء علیه السلام کاروان سرافراز رضایت مندی از خدا را مهیا کرده اند؛ باید شتافت؛ «کربلا منتظر ماست بیا تا برویم».



دفاع مقدس را واجب شرعی و مایه ی جلب رضایت خدا دانستند. بدین صورت جنگ، جهاد فی سبیل الله شد؛ رزمندگان مجاهدان فی سبیل الله، کشته ها شهدای فی سبیل الله و خانواده ها صابران فی سبیل الله و مردم راضی به قضای الهی! و بدین گونه هشت سال دفاع مقدس نردبانی شد برای اوج گیری این ملت بزرگ، در مسیر قرب الی الله!

بزرگترین درس مکتب امام حسین علیه السلام این است که «ما از خدا راضی باشیم و خدا از ما». جامعه ی دینی ما و مردم خوب این دیار نشان داده اند که عاشق مکتب حسینند و در هشت سال دفاع مقدس نشان دادند که از خدا راضی اند و خدا نیز از آن ها راضی. اصولاً نعمتی از این بالاتر نیست که معبود از عبد و بنده از مولای خویش راضی و خشنود باشد. در بعضی از آیات قرآن مجید، بعد از آن که نعمت بهشت جاویدان را برای بندگان خاص خدا بیان می کند؛ در پایان می فرماید: «رَضِیَ اللهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». خداوند از آنها خشنود و آنها نیز از او خشنود خواهند بود و این فوز عظیم و رستگاری بزرگی است.

اکنون ماه تجدید میثاق با حسین ابن علی علیه السلام است؛ زمان دریافت آموزه های عاشورا و به کار گیری آن در زندگی است.



فتح الله نادعلی

پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد ضرورت تبیین لایه های پنهان

چالش ها در تمام اعصار ندانیم؛ ظلمی مضاعف به امام ، انقلاب ، نیروها و مدیران جهادی ، جوانان مشتاق و با انگیزه ی این کشور و همه سازندگان واقعی این کشور

اگر واژه جهاد را در یک سازمان محدود و جهت دورانی خاص فرض نماییم و به تبع آن در صورتی که ما سازمان و ساختار قوی ، مدرن، پویا و اثر گذار پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد را فقط در هشت سال دفاع مقدس کاربردی دانسته و نسخه ای قابل ارائه برای برون رفت از تمام

مرور یک زندگی هشت ساله ی زیبا برای حاضران در میدان و یادآوری تاریخ واقعی این سرزمین برای مشتاقان ایران اسلامی باشد و برای آنان که جهت تقویت و تثبیت اعتماد و اعتقادشان به کشور و نظامشان، نیازمند این دلایل آشکار و واقعی اند!

ترویج فرهنگ مقاومت و انتقال حماسه آفرینی رزمندگان و جهادگران در هشت سال دفاع مقدس، بدون بیان واقعیات و تبیین و تحلیل مناسب لایه‌های پنهان آن سال‌های افسانه‌وش، کامل و جامع نخواهد بود. انتقال فهرست‌وار اقدامات بخش‌های حاضر در میدان، حتی اگر به خوبی صورت پذیرد؛ تمام ابعاد حماسه را منتقل نخواهد کرد و آموزه‌ای کاربردی برای عبور موفقیت آمیز از چالش‌های کشور نخواهد بود. بیان چرایی و چگونگی خلق آن اثر جاوید و آشکارسازی تمام زوایا و تبیین زنجیره‌ی اقدامات منتهی به نتیجه، وظیفه‌ی همه‌ی کسانی است که جنگ را یک دوره‌ی کامل آموزش مدیریت جامع دفاعی می‌دانند و معتقدند؛ این دوره بایستی به طور کامل و همراه با تمام ابعاد آن به نسل‌های تشنه منتقل شود؛ تا آیندگان با دریافت تمام لایه‌های مدیریت دفاع مقدس، از آن تجربه‌ی ذی‌قیمت و غیرقابل تکرار، برای فتح قله‌های پیشرفت استفاده کنند.

یکی از ارکان دفاع مقدس، پشتیبانی و مهندسی بود

نموده ایم. به همین دلیل، بنا داریم در نوشتاری هرچند کوتاه و مختصر، مقدمه‌ای باشیم برای گام بزرگ تبیین زوایای جذاب نهاد جهاد و همچنین پشتیبانی و مهندسی آن، که ان شاءالله از سوی صاحبان اندیشه و دلسوزان خدمت به نظام اسلامی و ملت فهیم ایران برداشته شود. پرداختن صاحب نظران به این موضوع راهبردی و دریافت نسخه‌های کاربردی آن و ارائه‌ی آن به مسئولان و متولیان، ازاهم نیازهای کشور بوده و باید به صورت مستمر همراه با جریان پیشرفت جمهوری اسلامی تداوم یافته و در هر مقطعی از زمان راهگشایی کند.

با گذشت بیش از سه دهه از پایان آن سال‌های ماندگار؛ سخن گفتن از تاریخ آن دوران بی بدیل و مرور روز شمار فراز و نشیب‌های هشت ساله و بیان نحوه‌ی انجام عملیات‌های کوچک و بزرگ و انعکاس تاریخی و آماری فعالیت‌های تمام ارگان‌های موثر در پیروزی‌های به دست آمده، از جمله فعالیت‌های گسترده و تعیین کننده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد؛ هنوزهم لطف خود را داشته و مشتریان خاص خود را به همراه دارد. به خصوص ترویج نبرد هشت ساله از منظر چگونگی انجام عملیات‌ها، شب‌ها و روزهای سخت نبرد، اقدامات قبل، حین و بعد از عملیات و اشاره به خاطرات به یاد ماندنی و ستودنی آن دوران در قالب رسانه‌ای متفاوت و متنوع، می‌تواند





که در هشت سال جنگ به خوبی توانست نقش خویش را ایفا کند. گرچه در هر یگان نظامی، واحدهای لجستیک و مهندسی وظیفه پشتیبانی از نیروها و اقدامات مهندسی رزمی را در ابعاد محدود درون یگان ساماندهی می‌کردند؛ اما وظیفه اصلی پشتیبانی‌های مختلف از رزمندگان و اقدامات گسترده‌ی مهندسی در تمام خطوط مرزی و عملیات‌های مختلف هشت ساله، با پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی بود که با گسیل تمام امکانات مورد نیاز در قبل و حین هر عملیات، مقدمات پیروزی را فراهم و به تثبیت خطوط پس از هر عملیات می‌پرداخت.

حقیقت این است که گستردگی و تنوع فعالیت‌های این نهاد مردمی و چرایی و چگونگی این اقدامات به خوبی آشکار نشده و درست به همین خاطر است که نسل فعلی ما، تنها بخش ناچیزی از دریای بی‌کران پشتیبانی و مهندسی جنگ را می‌داند و این اطلاعات نیز تنها در حوزه جمع‌آوری و هدایت کمک‌های مردمی، خدمات رفاهی به رزمندگان و حداکثر در برخی اقدامات مهندسی از قبیل راه‌سازی، ایجاد سنگر و خاکریز و..... خلاصه شده است و به ابعاد دیگر این سازمان تخصصی در میدان نبرد هشت ساله، کمتر توجه

شده است. حرکت بزرگ تبیین نقش و جایگاه پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد و باز شناسی چرایی و چگونگی حرکت‌های ارزشی، مردمی، تخصصی، گسترده و موثر این رکن بی‌بدیل، باید ابعادی همچون:

* چگونگی ایجاد، مدیریت و فعالیت زنجیره‌ی عظیم سازمانی این نهاد، از جمع‌آوری و هدایت کمک‌های مردمی، پشتیبانی‌های متنوع در مناطق عملیاتی، ابتکارات و ابداعات متناسب با نیاز جنگ تا طراحی و انجام پیچیده‌ترین عملیات مهندسی در هشت سال دفاع مقدس.

* گستره‌ی حوزه مهندسی جنگ جهاد، با توجه به تنوع عملیات‌ها با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی، سرزمینی و موانع گسترده، متفاوت و مدرن ایجاد شده

توسط مهندسی قدرتمند دشمن!

* نحوه‌ی سازماندهی و مدیریت مراکز رسمی و مردمی در به کارگیری تمام ظرفیت‌های کشور برای انجام ابر پروژه‌های دفاع مقدس، همچون طراحی، ساخت، حمل و نصب پل خیبری و ساخت پل بعثت و.....

* چرایی، چگونگی و میزان اعتماد جهادگران در میان ملت در تشکیل ستاد‌های پشتیبانی در تمام استان‌ها در راستای جمع‌آوری و هدایت کمک‌های مردمی به جبهه در هشت سال جنگ.

* توسعه یافتگی نیروی انسانی از داشتن انگیزه‌های لازم و متناسب با فعالیت‌های جهادی تا آموزش‌های گسترده و متنوع در جهت انجام دقیق و کامل مأموریت‌ها. و..... را نیز در برگیرد؛ تا همگان بدانند که جهاد تنها

تحقیقات متناسب با نیاز عملیات های مختلف اشاره کرد؛ بدون شک پیشبرد جنگ بدون مهندسی و ظهور قدرت مهندسی جنگ نیز بدون پشتوانه پژوهش و تحقیقات هرگز محقق نمی شد. سیر رشد تحقیقات در شکل گیری و ارتقاء ظریف تاثیر مهندسی جنگ باعث شد که روند طراحی و ساخت امکانات مهندسی از پل بشکه ای بر روی رودخانه بهمن شیر در عملیات شکست حصر آبادان در ابتدای جنگ به آزمایش موفقیت آمیز موشک مجتمع ۵ در سال ۶۷ منجر شود. این بخش محدودی از وجود لایه های گسترده ولی پنهانی است که پس از گذشت سال ها از آن، کمتر به آن پرداخته شده و همچنان مخفی مانده است؛ دری گران بها که استخراج و ارائه ی آن، دست یابی به اهداف متعالی را هموار تر می سازد.

یک تفکر ارزشمند اجرایی برای آن دوران و یا سایر عصر ها و نسل ها نبوده و نیست؛ بلکه آن تفکر مقدس و ارزشمند با تشکیلاتی پویا و سازماندهی پیشرفته و متناسب با نیاز انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تکمیل گردید و آن شد که همچون آفتابی درخشان خود نمایی می کند.

به نظر می رسد؛ اکنون و در این زمان، از بیان قدرت سخت افزاری و ارائه ی آمار و ارقام و متوقف شدن در تاریخچه این نهاد و انعکاس تکراری فعالیت های این نهاد مقدس در ادوار و اعصار انقلاب اسلامی و دفاع مقدس عبور کرده ایم؛ حقیقتا فرمان جهاد تبیین مقام معظم رهبری و نیازمندی کشور در حال حاضر، ما را بر آن می خواند که از درون ظواهر گفته شده به عمق قدرت نرم افزاری این نهاد بزرگ وارد شویم و گوهر های شب چراغ را برای هدایت و راهبری این نسل و همه ی نسل ها در راستای دست یابی به اهداف متعالی این کشور و نظام؛ استخراج نماییم.

به عنوان مثال می توان به سیر تکاملی پژوهش و



کوروش اکبری فرد

تهضت تبیین جهاد

انسان جهادی، مأموریت جهادی و سازمان جهادی

با گذشت نزدیک به ۱۰ ماه از مطرح شدن موضوع احیای جهادسازندگی، شاهد بلوغ این ایده در سطوح مختلف هستیم. این مهم را می توان از سخنان رئیس جمهور محترم در ۲۷ خرداد و در دیدار با جهادگران پیشکسوت و جوان دریافت. دیداری که با موضوع فرمان حضرت امام برای تشکیل جهادسازندگی شکل گرفت. رئیس جمهور حرکت های جهادی را ادامه فرمان حضرت امام دانست و معتقد بود که همه دولت باید جهادی شود و شورای عالی جهاد سازندگی صرفاً یک شروع برای این امر می باشد. اما در کنار این دستاورد بزرگ و اتفاقات امید افزین، همواره باید مراقب تهدیدها بود. مهمترین تهدید موضوع، عدم آگاهی از جهاد سازندگی می باشد که باعث شده افراد و الگوهای نادرست به جای الگوهای درست بنشینند. به عنوان مثال در سبک جهادسازندگی جهادگران با رفتار و روش خود برای امام آبرو می خریدند و به فرمان او نهال انقلاب را در دور ترین نقاط این کشور به ثمر می نشاندند. اما در همین دیدار اخیر

بپردازیم. مقاله ی «الگوی شکل گیری نوآوری اجتماعی در جهادسازندگی، به قلم دکتر مهدی روح الهی» اولین مقاله ای است که برای آشنایی دغدغه مندان برگزیده شده است. در مقدمه این مقاله علاوه بر اثبات نیاز سازمان های کشور به نوآوری و عدم وجود الگوی مناسب به بیان برخی تهدید ها پرداخته شده که از آن جمله توجه دشمنان به الگوی جهاد برای مهندسی معکوس و تقلیل این الگو به کارهای خیریه ای می باشد. همچنین در مقدمه این مقاله اشاره شده که جهادسازندگی واکنشی در مقابل ساختار بروکراتیک و کم بازده نظام طاغوت بود تا اهداف انقلاب در عرصه خودکفایی و استقلال صنعتی و اقتصادی محقق شود. همین جمله

شاهد بودیم که افرادی با تضییع حقوق نمایندگان گروه های جهادی به صحبت و گفت و گو پرداختند. به نظر می رسد؛ عدم آگاهی گروه های جهادی و جهادگران جوان از هویت خود، باعث شده حساسیت لازم نسبت به این نوع زوایا کمتر ملاحظه شود. این موضوع به طور عمومی در تذکرات رهبر معظم انقلاب به جوانان مشاهده می شود. به همین جهت نهضت مطالعات جهادسازندگی بیش از پیش ضرورت یافته است. به تجربه اثبات شده که باید جوانان آشنا به موضوع، خود کار «تبیین جهاد» را شروع نمایند؛ تا مطلعی برای شروع و همراهی دیگران باشد. از این رو قصد داریم از این شماره به معرفی جهاد از دید مقالات علمی و کتب دانشگاهی



شکل ۱: شبکه مضمونهای الگوی شکل گیری نوآوری اجتماعی در جهاد سازندگی



کفایت می کند تا ما کارکرد جهاد را فراتر از روستا و مسأله مناطق محروم بدانیم. باید مراقب باشیم که شروع از مناطق محروم باعث از بین رفتن باقی تجربیات جهاد و عدم توجه به آنها نشود. در ادامه نگارنده تلاش می کند تا جهادسازندگی را به عنوان الگویی برای همه سازمان ها در نحوه ارتباطشان با مردم قرار دهد و آن را به عنوان مبنایی برای الگوی مدیریت جهادی بکار گیرد. نگارنده استدلال میکند از آن جهت که جهادسازندگی مسائل مردم را با سازماندهی مردم حل می کرد و توانست در بازطراحی نوآورانه عناصر به منظور ساخت آرایشی جدید از سازمان ها و نهادها موفق باشد، می تواند به مثابه یک نهاد نوآور اجتماعی مورد بررسی قرار بگیرد. روش تحقیق مد نظر در این پژوهش تحلیل مضمون بوده است که مناسب برای بررسی یک پدیده اجتماعی می باشد. این روش می تواند مفاهیم را برای بررسی پدیده به مثابه یک پازل در کنار هم بچیند و تصویری جامع از پدیده را تشکیل دهد. الگوی نوآوری مطابق شکل (۱) می باشد.

کفایت می کند تا ما کارکرد جهاد را فراتر از روستا و مسأله مناطق محروم بدانیم. باید مراقب باشیم که شروع از مناطق محروم باعث از بین رفتن باقی تجربیات جهاد و عدم توجه به آنها نشود. در ادامه نگارنده تلاش می کند تا جهادسازندگی را به عنوان الگویی برای همه سازمان ها در نحوه ارتباطشان با مردم قرار دهد و آن را به عنوان مبنایی برای الگوی مدیریت جهادی بکار گیرد. نگارنده استدلال میکند از آن جهت که جهادسازندگی مسائل مردم را با سازماندهی مردم حل می کرد و توانست در بازطراحی نوآورانه عناصر به منظور ساخت آرایشی جدید از سازمان ها و نهادها موفق باشد، می تواند به مثابه یک نهاد نوآور اجتماعی مورد بررسی قرار بگیرد. روش تحقیق مد نظر در این پژوهش تحلیل مضمون بوده است که مناسب برای بررسی یک پدیده اجتماعی می باشد. این روش می تواند مفاهیم را برای بررسی پدیده به مثابه یک پازل در کنار هم بچیند و تصویری جامع از پدیده را تشکیل دهد. الگوی نوآوری مطابق شکل (۱) می باشد.

برخی مفاهیم کلیدی بر اساس این پژوهش به شرح ذیل می باشد:

۱. تصمیم گیری اقلیتی: در هشت سالی که در شورای لرستان بودم به تعداد انگشتان دست رأی گیری نکردیم و با هم کنار می آمدیم و اقناع می شدیم.
۲. حضور در صحنه: به مرور تخصص بچه ها بیشتر از

علاوه بر مضمون های پایه به مضامین دیگری همچون؛ ایجاد اضطراب محرک با محوریت ولی، شکل گیری اولیه، کنش جهادی، ساختار جهادی، بسیج مردمی با احیای فرهنگ یاریگری نیز اشاره شده است. در قسمت نتیجه گیری و پیشنهادات اشاره شده که جهاد سازندگی توانست بسیار پربازده و اثر بخش ظاهر شود و در عین حال توانست در روندی رو به رشد به توسعه خدمات اجتماعی بپردازد و بخشی از نیازهای روز جامعه را در دوره حیات خود به گونه ای نوآورانه نسبت به سازوکارهای موجود برآورده سازد. فرایند شکل گیری نوآوری در این نهاد با «ایجاد اضطراب محرک بر محوریت ولی» شروع شد که با «شکل گیری اولیه مبتنی بر نیت مندی جهادی و تربیت نوین اسلامی» ادامه یافت و بر بستر «ساختار جهادی» و در محیط و فرهنگی با «کنش جهادی» توسعه و قوام پیدا کرد و در نهایت موجب «بسیج عمومی و احیای فرهنگ یاریگری» به منظور رفع نیازهای جامعه توسط آحاد مردم شد.

بر این که نیازهای اجتماعی را موثرتر پاسخگویی کرد، همکاری و روابط اجتماعی جدیدی را فراهم ساخت. نوعی نوآوری‌هایی را ایجاد کرد که هم برای جامعه مطلوب بود و هم ظرفیت جامعه را برای عمل افزایش می‌داد. نگارنده در این قسمت به ظرفیت‌های پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد اشاره کرده و همچنین ارتباط سه جانبه بین ولی، مردم و جهادگر و عاملیت ولی را در تحرک جامعه متمایز از دیگر الگوهای نوآوری مرسوم دانسته است. در پایان نیز این مقاله بررسی پشتیبانی مهندسی جنگ و آسیب‌شناسی از جهادسازندگی را به دیگر پژوهشگران پیشنهاد کرده است. اگر چه این مقاله الگویی نهایی و عملیاتی را به ما ارائه نکرده است، اما شناخت خوبی از برخی عناصر فعال در جهادسازندگی که می‌تواند به توانمندسازی گروه‌های جهادی کمک کند را در اختیار ما قرار داده است. به طور خلاصه برای احیا جهاد باید به سه عرصه انسان جهادی، مأموریت جهادی و سازمان جهادی دست یابیم که این مقاله در شناسایی برخی عناصر این سه عرصه ما را یاری کرد.

نویسنده در ادامه برای نشان دادن تمایز این الگو با الگوهای مرسوم اشاره می‌کند: در الگوهای موجود، شناخت نیازها و نظریه پردازی صرفاً مبتنی بر درک و یافتن عامل اصلی ایجادکننده نوآوری به وجود می‌آید، در حالی که در جهاد سازندگی محوریت ایجاد اضطرار با ولی است و با درک و شناخت جهادگر از واقعیت‌های میدانی تکمیل می‌شود. در مرحله شکل‌گیری اولیه و توسعه آن نیز الگوهای موجود بیشتر به چپستی موضوع پرداخته‌اند در حالی که در این الگو ابعاد و مؤلفه‌های مرحله شکل‌گیری و توسعه نوآوری اجتماعی تشریح شده و در این دو حوزه ابعاد کلیدی ای همچون نیت مندی جهادی در مرحله شکل‌گیری اولیه و مدیریت و اداره شورایی، مأموریت‌گرایی به جای تخصص‌گرایی و انسان‌مداری به جای سازمان‌مداری در مرحله توسعه الگو توان و ویژگی‌های منحصر به فرد این نهاد را تبیین کرده است.

در ادامه نگارنده در مورد اجرای این الگو به استفاده از ظرفیت فرهنگ یاری‌گری که ریشه در تاریخ و اعتقادات مردم ما داشته می‌پردازد و می‌گوید: جهادسازندگی علاوه



تجربه های کار جمعی در جهاد سازندگی به روایت حسینعلی عظیمی

علی مشایخی - محمدرضا حسینی

کتاب رسم جهاد بخش هفتم

کتاب رسم جهاد ۱ که اکنون چاپ ششم آن روانه بازار کتاب شده است، در شهریورماه سال جاری حائز رتبه دوم جایزه روایت پیشرفت شد. ماجرای این کتاب از یک سوال شروع شد «در جهاد چگونه با هم کار میکردید؟» این سوال را سال ۹۲ از مرحوم مهندس حسینعلی عظیمی پرسیدیم و ایشان گویی که کاملاً به این سوال فکر کرده بود و منتظر بود کسی بیاید و بپرسد، به دقت و به تفصیل در طی جلساتی به این سوال پاسخ داد. حاصل پیاده سازی و ویرایش و تدوین آن پاسخ، کتابی است که قصد داریم بخش هایی از آن را در نشریه سنگر سازان بی سنگر در طی چند شماره، منتشر کنیم. منتظر نظرات، پیشنهادها و دیدگاه های تمام مشتاقان، صاحبان اندیشه و پیشکسوتان عرصه جهاد فرهنگی هستیم.

ساختار شورایی جهاد

همه فعالیتهای جهاد، شورایی انجام می شود

ساختار شورایی جهاد

همه فعالیت های جهاد، شورایی انجام می شود

ساختار جهاد در همه سطوح شورایی بود، شورای مرکزی، شورای استان، شورای شهرستان؛ و کسی رئیس

بقیه نبود. شورا ایجاد شده بود و همه باید با هم مشورت می کردند و این مشورت باعث رشدشان می شد. شخصی که

مسئول کمیته فنی بود ابتدا اطلاع خاصی از روابط عمومی نداشت یا شخصی که مسئول مالی بود هیچ چیز از کشاورزی

نمی دانست، اما درباره حوزه های کاری همدیگر صحبت می کردند تا از این موضوعات اطلاع

اینگونه نبود، همه باید کار خود را توجیه می کردند و همه در جریان ابعاد دیگر توسعه قرار می گرفتند.

کسی می گفت، مدرسه فلان روستا دیوار ندارد، آجر و سیمان می خواهیم. فرد دیگری می گفت استخر آنها واجبتر است و سیمانها را برای احداث استخر بفرستیم. نهایتاً در شورا درباره این موضوع بحث و تصمیمگیری می شد که مثلاً «اول استخر آب را تمام کنید و بعد دیوار مدرسه را بکشید». همه اعضای شورا در مسائل وارد می شدند و کار اصلی که در طول روز انجام می دادند، همین بود. پس از آن انجام بازدید بود.

نهادینه شدن مشورت

به مرور با تخصصی شدن فعالیت های جهاد، حالت تصمیمگیری با مشورت، در جهاد نهادینه شد. به همین دلیل هیچ مسئول واحدی نمیتوانست با نیت سیاسی، یک معاون برای خود تعیین کند؛ اصلاً در جهاد چنین رسمی نبود. چون فشار کارها خیلی زیاد بود، برخی بچه ها دنبال کسی می گشتند که بار مسئولیت را به گردنش بیندازند و بروند. البته این افراد هم واقعاً با نیت خوبی برای فعالیت در جهاد آمده بودند ولی دلایلی برای ترک جهاد داشتند مثلاً می خواستند درس خود را ادامه دهند.

اگر برای شهرستانی مسئول جهاد از شهرستان دیگری انتخاب می شد، گاهی بچه های جهاد قبول نمیکردند. شورای مرکزی جلسات مکرر برای توجیه افراد می گذاشت تا نسبت

پیدا کنند و بتوانند به هم کمک برسانند. یکی از اعضای شورا می گفت من فلان چیز را می خواهم، بقیه اعضا درباره علت نیازش سؤال می کردند و او باید توضیح می داد تا اطمینان و اعتماد لازم را ایجاد کند. این مشورت ها باعث سریعترین نوع آموزش در مدیریت جهادی می شد. در شروع کار، مهندس یک رشته بودند و بعد از شش ماه به خاطر بازدیدها و مشورتها در حوزه های دیگر هم متخصص می شدند. این روش به قدری قوی بود که یکدو سال بعد از تشکیل جهاد اکثر مدیران کشور از بچه های جهاد بودند. ما در کشور غیر از نیروهای جهاد کسی را نداشتیم که هم مسائل مختلف کشور را بفهمد، هم بتواند مدیر شود و هم انقلابی باشد. در دانشگاه فردی داشتیم که متخصص صنایع بود و بیست سال هم سابقه داشت، ولی نمیتوانستیم او را به عنوان رئیس فلان اداره بگذاریم چون با درخواست های مردم کنار نمی آمد و روحیه خودکفایی نداشت و نمی توانست دوام بیاورد.

تشکیل شورا از مسئولین قسمت های مختلف

الان در کشور فکر می کنند شورا، یعنی هیئت مدیره؛ این در حالی است که اعضای هیئت مدیره، سهامدار هستند و مسئولیتی در اداره شرکت ندارند، صرفاً هر هفته یا ماهی یک بار دور هم جمع می شوند و در جریان امور قرار می گیرند. در شورا مسئولین قسمت های مختلف باید کار خود را پس از مشورت انجام دهند. مثلاً می خواهند یک نفر را استخدام کنند باید شورا تصویب کند. در شورا موضوع مطرح می شد،

مسئول مالی می گفت

«پول نداریم»، یا نماینده امام می گفت «مگر ما قول ندادیم که یک نفر را به فلان شهرستان بفرستیم؟! آن کار واجبتر است» و ...؛ اصلاً آن مسئول از درخواست خودش می گذشت و وارد حیطه دیگری می شد. الان فقط رئیس تصمیم می گیرد ولی در شورا



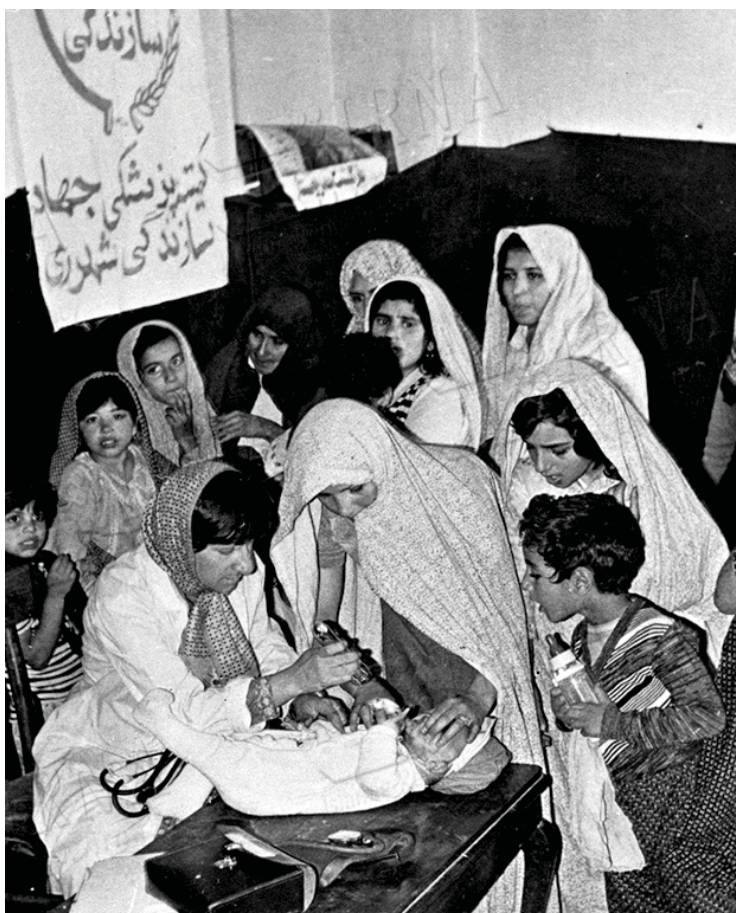
اگر در شورای هماهنگی تصمیمی گرفته می‌شد، شورای مرکزی به خودش اجازه نمیداد که آن تصمیم را کنار بگذارد. حتی اگر می‌خواست آن تصمیم را عوض کند، باید یک جلسه دیگر شورای هماهنگی تشکیل می‌داد و اعضای شورا را توجیه می‌کرد که بگوید «اجرای آن چیزی که گفته اید به این دلایل، امکان‌پذیر نیست»؛ در حالی که سطح شورای هماهنگی پایتتر از سطح شورای مرکزی بود. اگر شورای مرکزی این کار را نمیکرد، با واکنش نیروهای پایبندستی روبه‌رو می‌شد. آنها می‌گفتند اعضای شورای مرکزی با خودپسندی یا غرور یا احساس ریاست، نظر خود را بالاتر از جمع دانسته و خلاف نظر جمع جهادگران تصمیم گرفته یا عمل کرده‌اند و این خلاف شرع و دین است و پیش‌نماینده امام شکایت می‌کردند. نیروهای پایین دستی با این چالش مواجه می‌شدند که «جواب مردم را چطور بدهیم؟» نیروهای جهادی این مسئله را برای جهاد و جمهوری اسلامی زشت می‌دانستند که کار مردم انجام نشود. اصلاً جهاد را بال پیشرفت و توسعه جمهوری اسلامی می‌دانستند. می‌گفتند این کار باید به هر قیمتی حل بشود. دعوا نمیشد، اما یقه شورای مرکزی را می‌گرفتند تا موضوع به سرانجامی برسد.

در شورای هماهنگی، مسئولان واحدها و مسئولان کمیته‌ها حضور داشتند و جمعیت زیادی شرکت می‌کردند؛ چون هر کمیته‌های چند واحد داشت. این شورا خیلی شلوغ می‌شد و تصمیم‌گیری در شورای برنامه‌ریزی انجام می‌گرفت که در موردش توضیح خواهم داد. شورا با این افراد جلسه می‌گذاشت تا تصمیم‌گیری با اطلاع آنها باشد و دلسرد نشوند؛ مثلاً اگر یک مدیری انتظار دریافت بودجه‌ای را داشته باشد ولی خبر نداشته باشد که چرا این بودجه به بخش دیگری رفت و به او داده نشد، دلخور و دلسرد می‌شود. ولی وقتی که نسبت به این تصمیم توجیه باشد این دلخوری به وجود نخواهد آمد.

به این فرد رضایت ایجاد شود. اگر باز هم نمی‌پذیرفتند، شورای مرکزی پیشنهاد خودش را پس می‌گرفت؛ هیچ چیز تحمیلی نبود. وقتی می‌گویم سیستم مدیریت شورایی، به معنای یک چیز رؤیایی نیست.

شورای هماهنگی

«شورای هماهنگی» یک بخش اضافی نسبت به ادارات دیگر بود. همین عنصر باعث شده بود که بچه‌های جهاد همه چیز را بدانند و اشتباهات کمتری داشته باشند. در استان‌ها جلسه شورای هماهنگی شامل واحدها، کمیته‌ها، شورای مرکزی و نماینده امام بود که دور هم جمع می‌شدند. جلسه هم کاملاً به صورت جدی تشکیل می‌شد و تصمیمات اصلی مرتبط با جمع، در آنجا گرفته می‌شد. اعضای شورای مرکزی وقتی به برخی مسائل برخورد داشتند، در شورای هماهنگی مطرح می‌کردند تا همه مطلع شوند؛ مثل شورای معاونین فعلی در سطح پایین‌تر ولی خیلی جدی.





مسائلی که مربوط به عموم نیروهای جهاد بود، باید در شورای هماهنگی تصویب می‌شد. کسی نمیتوانست به تنهایی بخشنامه صادر کند چون اگر در مقابل آن مقاومت به وجود می‌آمد، اجرایی نمیشد. بنابراین افراد باید توجیه می‌شدند تا بخشنامه‌های اجرایی شود. باید توضیح می‌دادند، نظرات بقیه را می‌گرفتند و تعدیلش می‌کردند. موافقان و مخالفان دلایل خود را بیان می‌کردند، دلایل در مقابل هم قرار می‌گرفتند و جمع قضاوت می‌کرد که کدام یک بهتر است. نظرات کمیته‌ها هم گرفته می‌شد؛ نظرات پخته می‌شد و خیلی زود بچه‌ها از ابعاد دیگر موضوع مطلع می‌شدند. شورای هماهنگی از ابداعات جدید در جهاد بود که متأسفانه سران جهاد پس از وزارتخانه شدن قدرش را ندانستند. ولی ابتکار خیلی خوبی بود؛ این شورا معمولاً هفتگی یا دو هفته یک بار تشکیل می‌شد. البته در جبهه کمتر شورای هماهنگی را تشکیل می‌دادیم، چون سیستم بیشتر فرماندهی بود. شورای هماهنگی بچه‌هایی را که عقب بودند بالا می‌کشید و آنهایی که خیلی بالا رفته بودند ولی متوجه نمیشدند پایین چه خبر است، پایین می‌آورد. نیروها را که یکیدو هفته از هم فاصله گرفته بودند باز به هم می‌رساند. یعنی مجموعه مدیریت سازمان با هم بالا می‌رفت. نکته بعد اینکه همدیگر را هم بیشتر می‌شناختند؛ معمولاً بچه‌هایی که با تقوا بودند و

شورای هماهنگی برای نقل و انتقال اطلاعات و توجیه برادران درباره دیگر کمیته‌ها و واحدهای جهاد بسیار ضروری بود. یک نفر عضو کمیته عمران بود و می‌خواست پل، راه، مدرسه و ... بسازد و نیاز روستایی‌ها را برطرف کند و کارهای خاص خودش را داشت؛ در حالت عادی این فرد از فعالیت‌های کمیته کشاورزی خبر نداشت. این در حالی بود که باید می‌دانست که کمیته کشاورزی چه فعالیتهایی انجام می‌دهد و او چه کمکی می‌تواند بکند. همین طور اعضای کمیته کشاورزی هم از جدیدترین اطلاعات کمیته عمران اطلاع نداشتند. همه یک هدف داشتند که همان روستا بود؛ چون روستا محرومترین بخش کشور بود. اعضای کمیته‌ها از وضعیت مالی جهاد اطلاع خاصی نداشتند، یا آنها که مسئول استانها بودند از مسائل جدید واحدها اطلاع زیادی نداشتند. جلسات شورای هماهنگی برای رفع این نقصان اطلاعاتی تشکیل می‌شد. در شورای هماهنگی مسئولین تمام واحدها و کمیته‌ها جمع می‌شدند. انتظاراتی که افراد از بقیه داشتند و درخواستهایی که به جمع مربوط می‌شد، در آنجا مطرح می‌کردند. هر کدام از افراد در این جلسه، گزارش کارهای در دست اقدام و اتفاقات رویداده را ارائه می‌دادند؛ اعضای شورای مرکزی هم در این جلسات حضور داشتند. در استان‌ها هم این شورای هماهنگی تشکیل می‌شد.

همه مقدرات جهاد استان از نظر مالی و برنامه در این شورا تعیین می‌شد. شورای مرکزی هم حق و تو داشت یعنی اگر به یک چیزی می‌رسیدند و بعداً خبر تازه‌ای می‌شد یا بودجه کم و زیاد می‌شد و ... می‌توانستند تصمیم را منتفی کنند، ولی اگر هم می‌خواستند کاری بکنند، در شورای برنامه ریزی می‌آوردند. چرا شورای برنامه‌ریزی؟ برای اینکه اختیار به دست کمیته‌ها بود و آنها باید اجرا می‌کردند. در واقع، این شورا مشاور عالی و خدمتگزار آن کمیته‌ها بود و مسئولین کمیته‌ها در این شورا دور هم جمع می‌شدند.

تقسیمات اصلی راجع به بودجه و امکانات، در شورای برنامه‌ریزی صورت می‌گرفت؛ مسائلی که به همه مربوط می‌شد و شورای مرکزی به تنهایی نمیتوانست در مورد آن تصمیم بگیرد؛ به عنوان مثال، تغییر در بودجه کمیته‌ها. برای این منظور با اعضای کمیته‌ها جلسه می‌گذاشتند، طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های هر کمیته بررسی می‌شد و پس از آن با هم توافق می‌کردند که این مقدار بودجه برای هر کمیته‌ای مصوب شود. معمولاً هم بچه‌ها به سمت محرومیت کشش داشتند، یعنی هدف همه، رضایت مردم و حل مشکل آنها بود. اینکه پروژه اجرا بشود یا نه، خیلی مهم نبود؛ مهم این بود که مردم چه می‌خواهند. اگر اختیار دست متخصصین

غیبت نمیکردند، محتاط بودند، توکل بیشتر و روحیه قویتری داشتند، در جلسه شورای هماهنگی روی بقیه نیروهای جهاد اثر مثبت می‌گذاشتند. نماینده امام در جهاد، قبل از جلسه و حین برگزاری جلسه، مقداری تذکرات اخلاقی می‌دادند و یک جلسه بسیار خوب و سازنده برگزار می‌شد.

اگر یک نفر به دیگری دستوری می‌داد که در شورا مطرح نشده و مصوبه‌ای نگرفته بود، یک نکته خیلی منفی به حساب می‌آمد. البته اگر در حد مسئولیتش دستور می‌داد، طرف مقابل احساس می‌کرد این دستور در حقیقت همان دستور امام (ره) است. یک حالت ولایتی از طرف نیروی بالاتر نسبت به پایینی وجود داشت و به عنوان تکلیف شرعی به دستور توجه می‌شد. یعنی اگر بالایی می‌گفت این کار را بکن و او انجام نمیداد، احساس گناه می‌کرد. چنین وضعیتی در جهاد حاکم بود. شورای هماهنگی به اصطلاح این وضعیت را به توجیه می‌رساند تا همه با هم اطلاعات مساوی و نزدیکی داشته باشند و کمک می‌کرد تا آن اطاعت همراه با اعتماد باشد.

شورای برنامه‌ریزی

در شورای برنامه‌ریزی علاوه بر مسئولین کمیته‌ها، اعضای شورای مرکزی و نماینده امام شرکت می‌کردند.





شود و دور از نفاق باشد؟ باید اخلاص و جو اعتماد حاکم باشد. برای این منظور نباید هر کسی در آن جمع حضور پیدا کند، یک حریمی وجود دارد که تنها مختص نیروهای جهادی است. این امر پیشنیاز آن است که اعتماد متقابل حفظ و تقویت شود و مسائلی که اعتماد را تخریب می‌کند، به وجود نیاید. در چنین جمعی مقررات هم بر همین منطق منطبق است. از جمله این مقررات، همین شورا و حالت شورایی است. در کارهایی که اشخاص از روی اعتماد یک قسمت آن را به عهده دارند؛ نمیشود رئیسی و دستوری برخورد کرد. از این رو بود که نقش شورا و تصمیمگیری شورایی در جهاد حالت نهادینه پیدا کرده بود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. محمد طرحچی در سال ۱۳۳۴ در شهر مشهد و آستان ولایت و امامت دیده به جهان گشود. وی به واسطه هوش سرشار، جدیت و پشتکار مثال زدنی خود به دانشگاه پلی تکنیک تهران راه یافت و از فعالان عرصه سیاسی و مبارزه با رژیم ستمشاهی به شمار میرفت. شهید طرحچی پس از پیروزی انقلاب و با تشکیل جهاد سازندگی در کسوت جهادگران درآمد و با آغاز جنگ تحمیلی، با حضور در خطوط مقدم نبرد به خیل مدافعان اسلام پیوست. این

می‌افتاد، آنها دلشان می‌خواست یک سد بزرگ بسازند تا هم خودشان کار یاد بگیرند و هم بگویند سد ساختند و پز بدهند. ولی جو دست افرادی بود که می‌گفتند «چرا این همه پول را اینجا خرج کنیم؟ برویم آنجا که محرومتر هستند». اینها جهت‌گیری‌هایی بود که در آن عدالت و مسائل انقلابی و محرومیت‌زدایی ترکیب می‌شد؛ اینکه از اول انقلاب می‌گویند «پیشرفت اسلامی»، همین جهاد سازندگی الگوی آن برای کشور بود.

دادن اطلاعات کامل به یکدیگر و دادن مشاوره صادقانه در جهاد یک مسئول هرچه را می‌دانست به کسی که می‌خواست کاری انجام بدهد، می‌گفت و اعتماد هم داشت. چه فرقی دارد که من تصمیم بگیرم یا او تصمیم بگیرد؟! همان کاری که خودش می‌کرد به او می‌گفت و نجات پیدا می‌کرد. الگو و اوج این رفتار، شهید رضوی بود، آدم خیلی عجیبی بود. ببخود نبود که این همه آدم بزرگ را در جنگ جهاد اداره می‌کرد و این شهدا و آدمها زیر دست او تربیت شدند. او هم تربیت شده شهید طرحچی و شهید ناجیان بود؛ واقعاً اینها روی هم اثر مثبت خیلی عجیبی گذاشته بودند.

رابطه متقابل مشورت و اعتماد

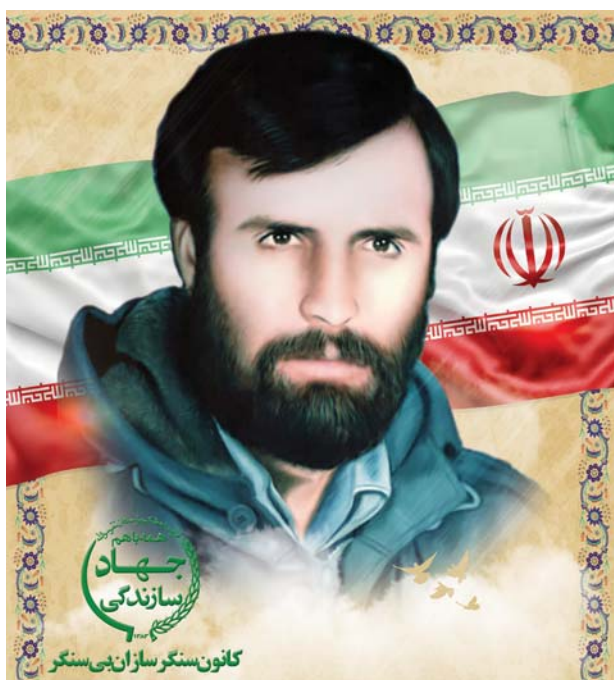
محیط چگونه باید باشد که اعتماد متقابل بین افراد حفظ



شهید در معیت دیگر همزمانش شهید ساجدی، شهید رضوی و سایر جهادگران با طراحی و احداث جاده‌های استراتژیک نظامی در مناطق جنوب و حضور در عملیات‌های دارخوین (فرمانده کل قوا)، طراح (آزادسازی کرخه کور)، شکست حصر آبادن و ... نقشی اساسی در پیروزی رزمندگان اسلام ایفا کرد.

وی علی رغم مسئولیت خطیر سازمانی، با کمال شجاعت، اراده و ایمان در گوشه گوشه جبهه‌های نبرد حاضر میشد و هر جا که ضرورت ایجاب میکرد با درایت خاص خود در کوران نبرد حتی با بلدوزر به جنگ با میادین مین میرفت و با پاکسازی آن، عارفانه به مرگ لبخند میزد. سرانجام روح بیقرار محمد طرحچی در آخرین سفر به جبهه‌های الله اکبر و در جریان بازپسگیری و فتح شهر مهم و استراتژیک بستان، هنگامی که مشغول راز و نیاز و اقامه نماز بود با اصابت موشک دشمن بعثی به لقاءالله پیوست و شربت شهادت نوشید.

۲. شهید حسین ناجیان در سال ۱۳۳۳ در خانواده‌ای مذهبی در شهر تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات دبیرستانی وارد دانشگاه پلی تکنیک تهران شد و در همان جا از فعالان انجمن اسلامی بود. با شروع جنگ تحمیلی عاشقانه به سوی جبهه‌ها پر کشید و در کنار دوستان دیرین و یار همیشگی خود، شهید محمد طرحچی و دیگر همسنگران، ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در جنوب را بنا نهادند. شهید حسین ناجیان با تلاشی بی شائبه و فارغ از هر گونه هیاهو و تبلیغ، توانست ثقلی از نیروهای انسانی مدیر و مومن را حول ستاد پشتیبانی جنگ جهاد ایجاد کند، به گونه‌ای که آن ستاد قادر به پذیرفتن مسئولیت بسیار سنگین مهندسی جنگ در جبهه‌های جنوب گردید. خود او نیز همواره یکی از عوامل موثر در ایفای این نقش بود. او یک مهندس متواضع و مخلص، دوراندیش، شکیبا، منطقی و کم حرف بود و سرانجام در مهر ماه ۱۳۶۱ دعوت حق را لبیک گفت و در جبهه سومار به شرف بزرگ شهادت نائل آمد.



عبدالله فاتحی

جهاد سازندگی

تاریخچه تشکیل و خلاصه عملکرد

بخش سوم

مطالب مندرج در این بخش برگرفته از کتاب «جهاد سازندگی، جلد اول: تاریخچه تشکیل و خلاصه عملکرد» می باشد که با انتخاب مدیریت نشریه در اختیار مخاطبان عزیز و مشتاقان پژوهش در حوزه جهاد سازندگی و پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد قرار می گیرد. این کتاب حاصل تحقیق و پژوهش گروهی از کارشناسان و محققان و تدوین کارشناس و پیشکسوت جهاد، آقای مهندس عبدالله فاتحی است که بر اساس پیشنهاد مخاطبان عزیز در خصوص لزوم تبیین فعالیت های جهاد سازندگی در انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، در این نشریه ارائه می گردد. این کتاب، زمینه ها و ضرورت های تشکیل نهاد مردمی جهاد سازندگی را از زمان پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داده و وقایع و رخداد های مرتبط با جهاد سازندگی و سپس فعالیت ها و تلاش های جهادگران در مقاطع مختلف را به رشته تحریر در آورده است.

انواع فعالیت های خواهران جهادی در روستاها

بیان و تعریف نوع فعالیت های خواهران جهادی به لحاظ تعدد و تنوع کاری بنا بر شرایط زمانی، مکانی و جغرافیایی روستاهای هر استان بسیار زیاد است و شاید نتوان از عهده آن برآمد؛ اما در اینجا به فعالیت هایی اشاره می شود که در بیشتر استان ها انجام می گرفت.

فعالیت های آموزشی

از مهم ترین فعالیت های خواهران جهادی، آموزش زنان، دختران و پسر بچه های روستایی بود.
روزهای اول ورود به جمع زنان روستایی، بیشتر به



بودند. بسیاری از خرافات دینی سینه‌به‌سینه منتقل گشته بود و بسیار دیده می‌شد افراد پیری که ساده‌ترین اعمال عبادی خود را بدرستی انجام نمی‌دادند.

بنابراین بسیار طبیعی بود که با تشکیل کلاس‌های آموزشی مذهبی، روستاییان پاک‌فطرت خیلی زود جذب این کلاس‌ها شوند و خواهران جهادی که اکثریت قریب به اتفاق آنان، مطالعات بسیاری در مباحث دینی و اعتقادی داشتند، برای روستاییان خدانشناس، آموزش احکام، آموزش‌های روخوانی، تفسیر قرآن، احادیث و روایات و سرگذشت انبیاء و ائمه را تدریس می‌کردند و با استقبال روستاییان هر روز به تعداد این آموزش‌ها افزوده می‌شد. این آموزش‌ها تا زمان وزارتخانه شدن جهاد سازندگی و انتقال بسیاری از وظایف آموزشی، به نهادها و وزارتخانه‌های دیگر ادامه داشت.

آموزش‌های سوادآموزی

اگرچه نهضت سوادآموزی نیز مدتی بعد از تشکیل جهاد سازندگی کار خود را آغاز نمود؛ اما تا زمان استقرار آموزشیاران نهضت سوادآموزی و یا نبود آنها، خواهران جهادی کار سوادآموزی ابتدایی را برای روستاییان بر عهده داشتند و

روشنگری پیرامون مسائل مختلف ظلم و جنایات رژیم ستم‌شاهی و پیروزی انقلاب اسلامی می‌پرداختند و معمولاً در این جلسات سعی می‌شد تا انگیزش کافی در مخاطبین، جهت حضور در رده‌های آموزشی و پس از آن به کار بستن آموخته و تغییر در روش‌های اشتباه زندگی ایجاد شود و در همین جلسات بود که اولویت نیازهای آموزش آنان روشن می‌گشت و معمولاً در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی، زنان و دختران روستایی به انواع آموزش‌های چه عمومی و چه تخصصی و کاری نیاز داشتند. به همین دلیل بسیاری از آموزش‌ها بنا بر شرایط استانی و یا علایق فراگیران متنوع بود؛ اما به‌طور عمده می‌توان آموزش‌های ارائه شده را در چند بند دسته‌بندی کرد.

آموزش‌های مذهبی و عقیدتی

در قبل از پیروزی انقلاب فقر فرهنگی و دوری از مسائل آموزشی- فرهنگی، سبب رواج دین به شکل غلط در میان روستاییان گردیده بود. به بیانی دیگر روستاییان با وجود اعتقاد خالصانه به خدا و دین، از بسیاری از احکام دینی، یا آگاهی نداشتند و یا اینکه آن را به‌غلط از پدران و مادران خود آموخته

بسیاری از روستاییانی که دوره‌های ابتدایی را با جهادی‌ها گذرانده بودند، با استقرار آموزشیاران نهضت سوادآموزی جذب کلاس‌های مراحل بالاتر آنان می‌شدند. البته با رشد سوادآموزی در بین زنان روستایی، کلاس‌های تقویتی به‌طور غیررسمی در تابستان‌ها برای دانش‌آموزان، توسط دانشجویانی که به‌طور داوطلب به روستاها می‌رفتند، ترتیب داده می‌شد.

آموزش‌های بهداشتی

بعد از آموزش‌های مذهبی بیشترین حجم فعالیت‌های آموزشی خواهران جهادگر، پیرامون مسائل بهداشتی بود. علاوه بر نبود امکانات بهداشتی چون آب، توالت و حمام بهداشتی، فقر فرهنگ و رعایت بهداشت نیز مزید بر علت بود. آموزش بهداشت فردی حفظ بهداشت محیط، بهداشت باروری و تنظیم خانواده، آموزش روش‌های صحیح درمان در مقابل روش‌های غلط درمانی رایج در بین روستاییان و... از جمله موضوعات آموزش‌های عمومی بهداشت بود. ارتقای فرهنگ و تغییر نگرش رعایت بهداشت، چه در زمینه فردی و محیطی از جمله دشوارترین کارهای خواهران جهادی بود. هرچند که در صورت علاقه روستاییان به رعایت بهداشت، کمبود آب بهداشتی و یا حمام و یا پراکنده بودن زباله‌ها در

محیط روستا و... کار را بسیار دشوار می‌کرد؛ اما خوشبختانه هم‌زمان با این آموزش‌ها، به‌تدریج با احداث شبکه آب‌رسانی سالم و حمام بهداشتی نیز تا حدود زیادی به روستاها و این مسئله کمک کرد تا روستاییان، سالم‌تر بوده و مرگ‌ومیرهای کمتری را داشته باشند و هم اینکه با انجام آسان‌تر و سریع‌تر فعالیت‌های خانه‌داری، فرصت بیشتری برای انجام مورد نیاز و علاقه خویش داشته باشند.

تربیت ماما روستایی

همان‌طور که گفته شد پس از آموزش‌های اولیه بهداشتی، کم‌کم نیاز به داشتن افراد مجرب بیشتر احساس می‌شد که پس از چند سال طرح پرورش ماما روستایی که با تربیت دختران روستایی و آموزش مسائل بهداشتی در زایمان‌های طبیعی به اجرا درآمد. در این طرح دختران باسواد و بااستعداد روستایی، طی دوره‌های چندماهه در مراکز استان‌ها، دوره‌های آموزشی‌های لازم را جهت ترویج مسائل بهداشتی در دوران بارداری و کمک به زایمان طبیعی زنان روستایی گذرانده و در محل زندگی خود مشغول خدمت می‌شدند. کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی در روستاهای ۱۱ استان اقدام به جذب و تربیت خواهران ماما روستا کرد؛ به‌نحوی که این واحد تا پایان فعالیت خود ۱۱۸۳ نفر ماما





که نهال‌ها به رشد مناسبی می‌رسید، در یک روز با همکاری همه زنان و مردان داوطلب جهادی و خود روستاییان، در یک اقدام همگانی در حاشیه شهرها و روستاها کاشته می‌شد که استان یزد نمودار بارز این حرکت بود که هرساله مساحت زیادی از حاشیه شهرها و روستاها را با نهال‌هایی که توسط زنان داوطلب جهادی پرورش داده شده بود، کویرزدایی می‌شد.

آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای

بنا بر آمارهای ملی و بین‌المللی بیشترین فعالیت تولیدی در روستاها بر عهده زنان و دختران روستایی هست و شاید کاری در روستا نباشد که زنان مشارکتی در آن نداشته باشند. زنان روستایی علاوه بر فعالیت‌های خانه‌داری (که با توجه به امکانات کم روستا زحمت بیشتری را می‌طلبد) سهم چشم‌گیری در انجام فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری و پرورش طیور، فرآوری محصولات لبنی، صنایع دستی.... داشته و دارند.

با شکل‌گیری و قوام تشکیلات جهاد سازندگی برنامه‌های آموزش‌های تخصصی در حیطه فعالیت زنان روستایی طراحی و تدوین گردید و مطالب کاربردی، توسط افراد دوره دیده همراه با آموزش‌های عملی به روستاییان از جمله زنان روستایی آموخته می‌شد و بر این اساس (در سال‌های قبل

روستا تربیت کرد و در سال ۱۳۶۹ اسامی این افراد همراه با مشخصاتشان به وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی منتقل گردید.

فعالیت‌های فرهنگی و هنری

یکی از مؤثرترین فعالیت‌های خواهران جهادی، اجرای برنامه‌های فرهنگی، هنری، با مشارکت خود دختران روستایی بود، برگزاری مراسم جشن به مناسبت اعیاد و مراسم سوگواری در ایام عزاداری، اجرای برنامه سخنرانی، سرود، تواشیح و تئاتر و تزیین صحنه و.... همه از جمله فعالیت‌های هنری بود که با هدایت و مدیریت خواهران جهادی و با همکاری دختران روستایی برای زنان روستایی اجرا می‌شد و همچنین با ایجاد کتابخانه‌های روستایی و اختصاص وقت و مکان برای دختران روستایی، فرهنگ حضور در مجامع فرهنگی و کتاب‌خوانی، تهیه روزنامه دیواری و.... رونق گرفت.

فعالیت‌های کویرزدایی

در استان‌های حاشیه کویر که همواره با خطر حرکت شن‌های روان و هوای غبارآلود مواجه هستند، فعالیت‌های کویرزدایی توسط جهاد سازندگی انجام می‌گرفت. کار کاشت، پرورش و تکثیر نهال‌ها توسط زنان انجام می‌گرفت و زمانی

از ادغام وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی) هر استان تعهد کرده بود حداقل ۳۰ درصد از کل دوره‌های آموزشی خود را به زنان روستایی اختصاص دهد.

آموزش‌های تخصصی حوزه کشاورزی
آموزش‌های مراحل بهینه کاشت، داشت، برداشت؛
روش‌های مبارزه با آفات محصولات کشاورزی؛
روش‌های نگهداری و جمع‌آوری محصولات کشاورزی؛
روش‌های بسته‌بندی محصولات کشاورزی.
آموزش‌های تخصصی حوزه دام و طیور
آموزش بیماری‌های مشترک بین انسان و دام؛
آموزش مبارزه با انگل و بهداشت محل نگهداری دام؛
واکسیناسیون طیور؛
آموزش فراوری محصولات لبنی؛
....

سایر فعالیت‌های زنان جهادی

در کنار صدها جهادگر که در روستاها و یا جبهه‌ها تلاش می‌کردند، خواهران دیگری نیز در ستاد و ادارات شهرها، مشغول خدمت بودند و آنان در نبود همکاران خود به اموری که باعث تسهیل کارهای دیگر جهادگران می‌شد، می‌پرداختند.

انجام امور اداری، تهیه و تنظیم گزارش‌ها، مطالب، مقالات و انتشار در مجلات جهاد و جهاد روستا، آموزش کارکنان، رسیدگی به امور خانواده‌های جهادگرانی که در جبهه‌های نبرد بودند، سرکشی و انجام امور خانواده جانبازان و شهدا و... بخشی از کارهای آنان بود که اگرچه در ظاهر مهم به نظر نمی‌آمد، اما در صورت هرگونه نقصی، می‌توانست کار سازمان را مختل نماید.

مادران و همسران جهادی

به‌طور حتم پشت سر هر مرد جهادی موفق و فعال در جبهه و یا پشت جبهه، یک شیرزن جهادی ایستاده بود. بسیاری از این زنان و مادران، خود یک رزمنده بودند که علاوه بر فعالیت در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی به‌تنهایی تمامی مسئولیت امور زندگی و خانواده، تربیت فرزندان را مدیریت می‌کردند و اجازه می‌دادند تا مردانشان با خیالی آسوده به خدمت و فعالیت بپردازند و ای‌بسا با تهییج و تشویق، خود زمینه حضور بیش‌ازپیش مردان خود را فراهم می‌کردند.

آموزش صنایع دستی

آموزش نوآموزی قالی‌بافی؛
آموزش فرش‌بافی با شیوه‌های نوین؛
آموزش جاجیم و گلیم‌بافی؛
آموزش حصیربافی و سوزن‌دوزی.
طرح بقا

استفاده از دارهای زمینی، شرایط نامناسب کارگاه‌های قالی‌بافی، نداشتن نور، هوای مناسب و... همه و همه باعث شده بود تا قالی‌بافی به‌عنوان مادر تمامی بیماری‌ها و دردهای بی‌درمان زنان روستایی چون سل و دیگر ناراحتی‌های ریوی و عضلانی گردد. به همین دلیل جهاد سازندگی با همکاری وزارت بهداشت در اقدامی گسترده در طول برنامه ۵ ساله دوم، کار بهداشتی کردن ۳۵۰۰ کارگاه قالی‌بافی را آغاز نمود. در این طرح تمامی کارگاه‌ها از نظر بهسازی، داشتن نور مناسب، تهویه هوا، محل نشستن و کار قالیباف، نحو قرار گرفتن دارهای قالی و دارهای غیراصولی و... مورد بررسی و دقت قرار گرفت و اصلاحات لازم انجام گردید.

نقش زنان جهادی در پشتیبانی از رزمندگان اسلام
با شروع جنگ تحمیلی تعداد بسیاری از نیروهای فعال جهادی در روستاها، جهت حضور در جبهه‌های جنگ و حمایت



دلیل درستی، متانت و مسلمانی آنان بود که نفس حضور آنان در جوامع روستایی، موجب تسریع روند رشد فرهنگی زنان روستایی شد و کم‌کم راه‌های حضور زنان روستایی در مجامع آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و... هموار گردید.

- ارزش‌مداری: توجه به روستا و روستاییان به‌عنوان ولی‌نعمتان انقلاب اسلامی، توجه به زنان روستایی به‌عنوان محروم‌ترین اقشار، بی‌توجهی به زورمداران روستا، همه نشان از ارزش‌گرایی جهادگران داشته است. در بسیاری از مناطق روستایی در سال‌های پس از انقلاب باقیمانده خوانین و هواداران رژیم ستم‌شاهی مزاحمت‌های فراوانی را برای جهادگران ایجاد می‌کردند که بعضاً منجر به ضرب‌وجرح جهادگران نیز می‌شد.

- مردم‌گرایی: احترام به نظرات روستاییان و رفتار محبت‌آمیز با آنان، در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی، احترام گذاشتن به آداب و رسوم سنتی، قومیتی و ملاحظات خانوادگی و... به‌منظور بالا بردن بهره‌وری در اجرای پروژه‌ها، همه و همه نشان از توجه جهادگران به ارزش‌ها بوده است و اینکه در هنگام کار، نگاه آنان از بالا به پایین نبوده و سعی می‌شد، برنامه‌ها متناسب با نیاز و شرایط زنان روستایی، طوری اجرا شود که زنان روستایی بیشترین بهره را ببرند.

- کارهای ابتکاری با حداقل امکانات در سخت‌ترین شرایط: فرهنگ جهادی با سختی و تلاش عجین شده و

در تمامی سالیانی که رزمندگان در جبهه‌ها مشغول دفاع از کشور بودند، زنان و مادران جهادی علاوه بر انجام کارهای زیاد و سنگین در پشت جبهه، همواره دلهره شنیدن اخبار ناخوشایند از عزیزان خود را در قلب‌هایشان داشتند و بسیاری نیز با شهادت و یا جانبازی فرزندان و همسران خود یک‌عمر با قلبی مالا مال از اندوه و غم، به انجام مسئولیت‌های خانواده و زندگی ادامه می‌دادند و با گذشت سال‌ها از اتمام جنگ هنوز که هنوز است به این مجاهدات در حفظ کیان خانواده ادامه می‌دهند.

ارزش‌هایی که نمی‌توان با اعداد و ارقام نشان داد

آنچه به فعالیت‌های خاوران جهادی ارزش داده و آن را از سایر کارها متمایز می‌کرد، ویژگی‌ها و شاخص‌هایی بود که خود به‌نوعی فرهنگی را شکل می‌داد به‌عنوان فرهنگ جهادی که این فرهنگ مبتنی بر ارزش‌های زیر بود:

- دین‌محوری: حاکمیت اسلام و انقلاب اسلامی بر فعالیت‌های خاوران جهادی، از مهم‌ترین ویژگی‌های کاری آنان بود. اسلام‌گرایی نه‌تنها در رفتار و گفتارشان هویدا بود، بلکه عملاً آن را نیز به منصفه ظهور می‌رساندند؛ آموزش روخوانی، تجوید قرآن، احکام دینی و اعتقادی، برگزاری مراسم جشن و عزا به مناسبت‌های دینی و انقلابی و... ازجمله کارهای خاوران جهادی بود و از سوی دیگر به

۶۴ در قالب یک وزارتخانه درآمد، بسیاری از فعالیت‌هایش در عرصه روستا از آن متنازع شد و تعداد زیادی از این نیروهای خواهر، موضوعیت کاری خود را از دست دادند. در این دوران شامل انتقال صدها خواهر جهادی به سایر وزارتخانه‌ها به‌ویژه وزارت آموزش و پرورش هستیم و در وزارتخانه خلأ به وجود آمد که تاکنون نیز هیچ‌گاه پر نشده است.

اولین آمار مکتوبی که از تعداد آمار کارکنان جهاد سازندگی به‌طور رسمی باقی‌مانده، مربوط به سال ۷۴ است که در آنجا هم فقط تعداد کل نیروها ذکر شده و متأسفانه هیچ تفکیک جنسیتی از کل ۴۶۶۹۵ نفری شاغل در جهاد، صورت نگرفته است و معلوم نیست که چه تعداد زن و چه تعداد مرد در ستاد و استان‌ها کار می‌کرده‌اند.

این یکی از ویژگی‌های کار خواهران جهادی نیز بود؛ کار با دست‌خالی و اکتفا به امکانات ناچیز روستاهای آن زمان، اتفاقی بود که تنها به دست خواهران و برادران جهادی ممکن شد.

زنان جهادی شهید

کم نبودند خواهرانی که در حین مأموریت و کار دچار حادثه شدند که از تعداد مجروحین و کسانی که در راه مأموریت‌ها مصدوم و یا جان خود را از دست داده‌اند، آمار دقیقی در دست نیست. تنها سه تن از خواهران جهادی که در حین کمک‌رسانی به رزمندگان و محرومین به درجه رفیع شهادت رسیده‌اند ثبت شده است: «شهید صدیقه رودباری، شهید مرضیه کلانتر، شهید شهناز حاجی شاه».

شهید صدیقه رودباری در حین آموزش اسلحه، در مرداد ۵۹، مورد اصابت گلوله واقع شد. شهید شهناز حاجی شاه در حین کمک‌رسانی به مجروحین جهاد سازندگی خرمشهر با خمپاره دشمن بعثی به شهادت رسید و شهید مرضیه کلانتر در شهر دزفول مورد اصابت موشک قرار گرفت.

حضور خواهران جهادی با زبان آمار و ارقام

از سال‌های ۵۸ تا ۶۵ یعنی از اول سال تشکیل جهاد سازندگی تا زمان تشکیل وزارت جهاد سازندگی که دوران طلایی فعالیت زنان جهادی محسوب می‌شود، متأسفانه هیچ اطلاعاتی در دست نیست و تمام آمارها در خصوص هزاران خواهری که در روستا و مراکز جهاد سازندگی کار می‌کردند، از بین رفته و از آن مجاهدان گمنام، تنها یادی مبهم در ذهن‌ها باقی مانده است. طبق آمارهای شفاهی از جهادگران، تقریباً در تمامی استان‌ها بنا بر بزرگی و کوچکی استان‌ها بین ۸۰ تا ۱۲۰ خواهر مشغول به کار بودند.

زمانی که جهاد سازندگی کم‌کم از سال





خلاصه آمار موجود در منابع رسمی امور اداری نشان می‌دهد که پس از ادغام دو وزارتخانه، تعداد نیروهای شاغل در وزارتخانه کم و کمتر شده است. طبق آمار در سال ۸۱ نیروهای شاغل در وزارتخانه ۲۲۲۹۶۱ نفر بوده (با ادغام نیروهای شاغل در دو وزارتخانه)، در سال ۸۳ به ۱۱۰۳۰۶ نفر رسیده است. البته این آمار هم به تفکیک جنسیتی و تعداد زن و مرد شاغل اشاره نکرده است.

تأثیر حضور زنان و دختران جهادی در رشد اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی

نمونه‌هایی از رشد و توسعه اجتماعی زنان روستایی
نفس حضور زنان جهادی در عرصه‌های اجتماعی روستایی؛ باعث شکستن طلسم محرومیت زنان بود. زنان و دختران روستایی به تدریج اجازه حضور در کلاس‌های ترویجی-آموزشی و سایر برنامه‌ها را پیدا کردند و کم‌کم سوادآموزی، آموزش‌های مهارتی و شرکت در برنامه‌های فرهنگی-ترویجی را تجربه کردند.

شاخص‌های توسعه فرهنگی - اجتماعی زنان روستایی

در ارزیابی میزان رشد توسعه فرهنگی - اجتماعی جوامع به‌ویژه جوامع روستایی معمولاً پارامترهای زیادی را مدنظر قرار می‌دهند. بر اساس تعریف undp سه پارامتر زیر شاخص‌های اصلی توسعه است: «آموزش، امید به زندگی و میزان مرگ و میر، درآمد و سطح رفاه اجتماعی».

علاوه بر شاخص‌های اصلی می‌توان به شاخص‌های زیر به‌عنوان زیرمجموعه نیز اشاره کرد.

- کسب درآمد بیشتر از طریق تعاونی‌های تولیدی‌های

تولیدی و مشاغل خانگی؛

- عضویت در تشکلهای اقتصادی نظیر صندوق‌های اعتباری خرد؛

- عضویت در تشکلهای اجتماعی نظیر شورای اسلامی روستا؛

- فعالیت‌های فرهنگی.

در جریان بررسی وضعیت رشد اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی نگاهی داریم به رشد شاخص‌ها
آموزش: آموزش از پایه‌های اصلی و رکن اساسی هر توسعه اجتماعی است. به عبارت دیگر آموزش هم خود شاخص توسعه است و هم اینکه کانالی است برای رسیدن به شاخص‌های دیگر توسعه چون عضویت در تشکلهای اقتصادی، اجتماعی و اعتباری.

تقسیم‌بندی‌های مطرح در آموزش

۱. آموزش‌های رسمی (سوادآموزی مدرسه‌ای)

۲. آموزش‌های غیررسمی زنان روستایی:

الف) آموزش‌های ترویجی:

- آموزش‌های نیمه کلاسیک

- آموزش‌های ترویجی صرف

ب) آموزش‌های غیررسمی مهارتی

۱. آموزش‌های رسمی

آموزش‌های رسمی (که در مدارس و توسط معلمان



آموزش و پرورش انجام می‌گیرد) و همچنین آموزش‌های غیررسمی سوادآموزی (که توسط نهضت سوادآموزی انجام می‌گیرد) جزو فعالیت‌های خواهران جهادی نیست؛ اما از آنجا که در رشد و توسعه زنان روستایی نقش مهمی دارد، در اینجا به آن اشاره مختصر خواهد شد:

همان‌طوری که بیان شد رسیدن موج انقلاب به

روستاها، تغییراتی در روابط سنتی روستاها به وجود آورد و پس از فعالیت‌های اولیه جهادی‌ها و نهضتی‌ها، مدارس در روستاها با حضور معلمان آموزش و پرورش تأسیس شد و به دنبال آن دختران روستایی روانه مدارس شدند و همین امر باعث رشد شاخص سوادآموزی گردید. به‌طوری‌که طبق آمارگیری سال ۵۵ تنها ۱۷/۲ درصد از زنان روستایی باسواد بودند. اما سرشماری سال ۶۵ این عدد را به ۳۰/۸۴ درصد و در سال ۷۰ به ۵۴/۲ درصد افزایش یافت.

۲. آموزش‌های غیررسمی زنان روستایی

«آموزش غیررسمی به هر نوع کارآموزی و آموزشی اطلاق می‌شود که سازمان‌یافته در خارج از نظام آموزشی رسمی کشور تحقق می‌پذیرد مانند دوره‌های آموزشی سیاسی، بهداشتی کسب مهارت‌های حرفه‌ای وقتی در صنعت و غیره» که خود آموزش‌های غیررسمی به دو گروه آموزش‌های ترویجی صرف و آموزش‌های ترویجی نیمه کلاسیک (چون آموزش‌های نهضت سوادآموزی) تقسیم می‌شود.

به استناد آمارهای منتشره می‌توان به میزان استقبال بیشتر زنان روستایی نسبت به مردان روستایی از کلاس‌های آموزشی پی برد. به‌عنوان مثال از کل نوآموزانی که در سال ۶۹ کارنامه تحصیلی گرفته‌اند، حدود ۱/۰۱۱/۳۸۹ نفر یعنی ۷۵ درصد را زنان و تنها ۳۳۶/۳۱۲ نفر را مردان تشکیل داده‌اند.

از آنجا که نزدیک به تمامی آموزشیاران نهضت سوادآموزی برای زنان روستایی، زنان بوده‌اند، می‌توان به میزان و نوع فعالیت و نقش آنان در توسعه اجتماعی زنان پی برد.

آموزش‌های ترویجی: از دیگر آموزش‌های غیررسمی ترویجی زنان روستایی، می‌باید از آموزش‌های «ترویجی صرف» یادکرد. در تعریف آموزش‌های ترویجی آمده است: «ترویج نشر و اشاعه است. اصالتاً یک فعالیت آموزشی به‌منظور انتقال دانش و مهارت‌های تکامل‌یافته و مفید و مؤثر، از منابع بررسی و تحقیق به مجامع روستایی، عشایری، کارگری و توسعه تنفیذ آن به جهت افزایش کارایی مولدان در جریان تولید است.» این آموزش‌ها بیشتر در خصوص فعالیت‌های کاشت، داشت و برداشت و دامداری و خانه‌داری و... بوده، مکان و زمان خاصی نداشته و سرفصل‌های درسی نیز بنا بر نیاز مخاطبین تعریف می‌شود و بیشتر به دنبال انتقال دانش و فرهنگ است.

اما نکته مهم اینجاست که آموزش‌های ترویجی پیش‌زمینه و مقدمه‌ای ضروری برای اجرای مناسب آموزش‌های مهارتی است. در بحث تعداد کسانی که از آموزش‌های ترویجی در سال‌های ۷۲-۷۵ بهره‌مند گردیده‌اند، آمارهای دقیقی در دست نیست، اما آنچه مسلم است قبل از تشکیل کلاس آموزش مهارتی می‌بایست چندین بار کلاس‌های ترویجی جهت ترغیب و توجیه برگزار می‌شد.

رشته‌های پرورش طیور، جاجیم و گلیم‌بافی، گونی‌بافی، صابون‌سازی، پنیر سازی، رنگرزی و... بوده است. در بحث آموزش‌های مهارتی، آموزش‌های قالی‌بافی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که در سال‌های ۷۲-۶۸ حدود ۸۰ درصد از کل بافندگان کشور را زنان تشکیل می‌دادند. طبق آمارهای ذکر شده در حدود ۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر به‌طور مستقیم و ۸۰۰۰۰۰ نفر به‌طور غیرمستقیم از این صنعت بهره‌مند می‌شدند.

طبق آمارهای آن دوره تولید فرش رشد فراوانی داشته و از صادرات یک میلیون مترمربع فرش در حدود یکصد هزار مترمربع سهم بافندگان عضو تعاونی فرش جهاد سازندگی بوده است.

در این سال‌ها تعداد ۱۰۵/۳۰۰ زن بافنده روستایی تحت آموزش‌های نوآموزی و به آموزی و دوره پیشرفته قالی‌بافی قرار گرفته که در نتیجه، باعث بالا رفتن کیفیت کار بافندگان، فروش بهتر محصولات باقیمت‌های بالاتری شده است.» ادامه دارد....

آموزش‌های غیررسمی مهارتی: «همان‌طور که قبلاً گفته شد پس از گذر از آموزش‌های عمومی و ترویجی کم‌کم آموزش‌های مهارتی در رشته‌های تولیدی کشاورزی، دامداری، پرورش طیور، صنایع‌دستی و تبدیلی و... آغاز شد و علی‌رغم حضور فعال و تعیین‌کننده جهادگران در جبهه‌های جنگ تا سال ۶۷ یعنی ۱۰ سال پس از تشکیل جهاد سازندگی، بالغ بر ۳ میلیون نفر در ۲۰ رشته شغلی از زنان روستایی مورد آموزش قرار گرفته و در طول ۵ سال بعد در سال‌های ۷۲-۶۸ این تعداد ۱/۱۷۷/۹۲۱ نفر افزایش یافت.» در اینجا به نمونه‌هایی از آموزش‌های ارائه شده اشاره می‌شود: «در برنامه ۵ سال اول تعداد ۲۹۵۸۲۹ نفر روز کلاس آموزشی در زمینه بهداشت دام و طیور ۷۲۰۰۰ نفر تحت آموزش‌های تبدیل بهداشتی فرآورده‌های دامی و ۵۶۱ نفر آموزش حصیربافی، ۱۰۵۰۰ نفر آموزش پشم‌چینی و ۱۸۸۲۴ نفر تحت آموزش‌های پرورش کرم ابریشم قرار گرفته‌اند.» هم‌چنین جهادگران از سال ۷۲-۶۳ حدود ۱۸۰۹۰۰ نفر را آموزش خیاطی داده و باقی آموزش‌ها در



مهدی محمدی

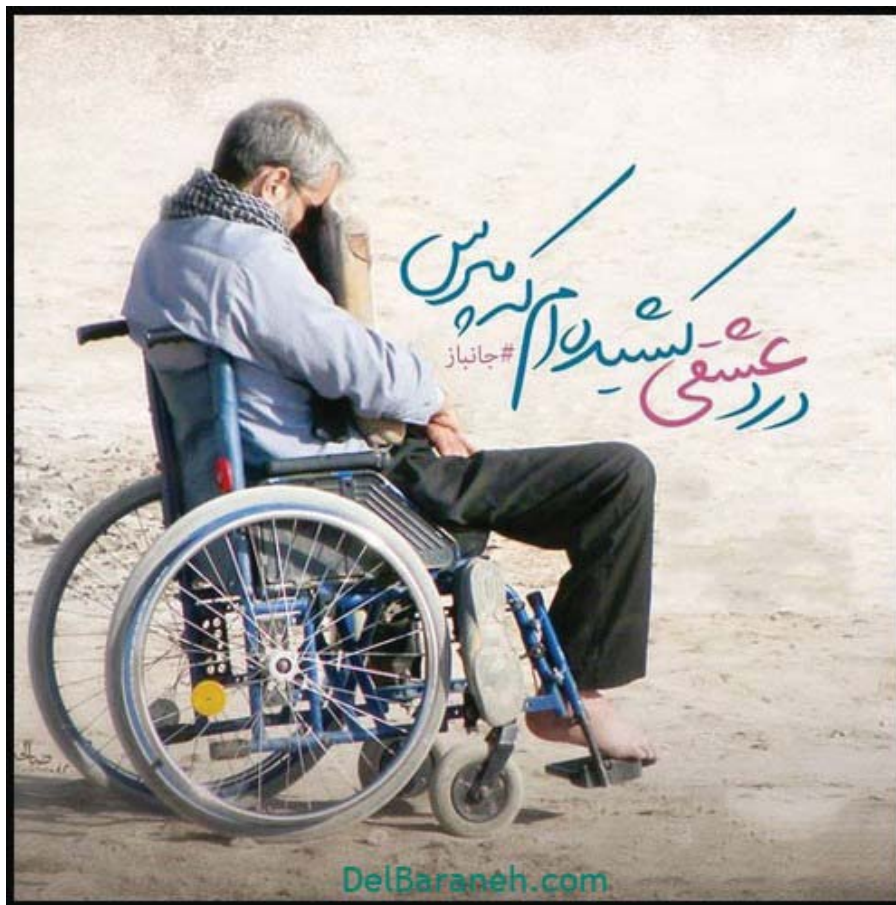
داستان

عاشقانه

سر خط...

به رحیم دودکش معروف بودم. هر چند مهندس آب و خاک بودم، اما هیچگاه این دلیل نشد خود را بگیرم و از شوخی های دوستان ناراحت بشوم. اما حالا که به خودم آمده ام روزی دو بسته را می کشم. حقیقتا برایم خجالت آور است

پاکت سیگارم را بر می دارم و سیگاری را براحتی از درونش بر می دارم و روشن می کنم. سیگارم را بین انگشت اشاره و انگشت انگشتریم قرار می دهم و پکی می زنم. به انگشت میانی نداشته ام می نگرم. جایش خالی نیست. قبلا این کار برایم بسیار سخت بود، اما تکرار چندین و چند ساله، برایم آسانش کرد. قبل مجروحیتیم، زمان جنگ، روز یک بسته را تمام می کردم. در بین دوستان نزدیک جهادیم،



که پول سیگارم را
کسی دیگر با رنج
و زحمت، اما عشق
وافر مهیا می کند.
از میان نگاههای
دخترکم ☐ زهرا ،
می توانم معادله چند
مجهولی بین درک
وضعیت موجود و
آنچه باید باشد را
دقیقا مشاهده کنم.
هر چند خودش
چیزی نگوید، اما
من می توانم به
وضوح ببینم. مادرش
زهرا را طوری تربیت
کرده که در سال
های پس از جنگ
تا کنون هیچگاه
چیزی از من

سنگین زندگی خورد شود . ماند و خورد شد ، اما خم به
ابرو نیاورد. با وجود شرایطم خیلی زود متوجه شد که برای
امرار معاش زیاد نمی توان منتظر این و آن و این سازمان
و آن مرکز شد .به همین خاطر از همان اوایل سپیده ،
شروع به کار کردن نمود و مانند یک شیرزن مردانه پای
همه چیز زندگی ایستاد. سپیده زندگی را مسیر داد. هدف
داد و جنگید. بچه ها را به سمت استقلال راهنمایی کرد.
آن زمان که بچه ها خردسال بودند، می دیدم که گاهی
امیر حسین نق می زند و چیزی می خواهد، اما سپیده به
او آموخت که اگر چیزی را می خواهی ، برایش تلاش کن
و بجنگ. اما زهرای بابا از همان ابتدا گویا پی به وخامت
اوضاع ما برده بود . زمان کودکیش ، زمانهای زیادی می
نشست روبروی پدر و رنج پدر را از نداشته هایش نظاره
می کرد و البته با تمام کوچکی و خردسالیش ، بردبارانه
همه جا حاضر بود و به مادرش کمک می کرد. زهرای
من خیلی زود بزرگ شد. امروز که به گذشته می نگرم ،

نخواهد. مگر می شود ؟ دلش را بر روی همه آرزوهایش
ببندد و چیزی نخواهد؟ اما شده است! زهرای من به همراه
مادرش در زندگی من همیشه تابیدند و نور به زندگی من
بخشیدند ، بی اندک توقعی و چشمداشتی. اواخر جنگ
که بدون یک دست و یک پا و مشکلات ریوی به خانه
بازگشتم ، وقتی همسرم - سپیده ☐ را در حالی که دست
زهرای کوچک را در دست داشت و امیرحسین - پسر من در
آغوشش بود ، مشتاق بازگشتم دیدم ، بسیار برایم دشوار
بود درک این مطلب که چگونه با نداشته هایم کنار می
آیند. بعد از گذشت مدتی حتی منتظر شروع اعتراض ها و
گله ها و شکایتها شده بودم. اما چیزی شروع نشد. برایم
عجیب بود. بسیار عجیب. سپیده با تمام جوانیش گویا عمق
ماجرا را درک کرده بود و خود را برای زندگی سخت پیش
رو آماده کرده بود. او دو راه پیش رو داشت : می توانست
بگذارد و برود دنبال زندگیش که البته با توجه به شرایط من
هیچ تقصیری گردنش نبود و می توانست بماند و زیر چرخ



خجل بودم. سرم را پایین انداختم.
... ای کاش نبودم و نبودنم بیش
از اینگونه بودنم منفعت داشت...
سرم را در دستانش گرفت و گریه
سر داد. گفت: ... بابا جان... تو
جان منی... بودند نور چشمان

منه... اینطور نگو...

در این بین سپیده سر رسید و پدر و دختر را در این
حالت دید. سپیده به زهرا قوت قلبی داد که تا روز عروسی
من نگرانی در وجود این دختر ندیدم. بعدها فهمیدم درایت
شیرزن من به قدری زیاد بود که برای این روز نیز از قبل
اندیشیده بود.

همیشه به این فکر می کردم یک جایی باید این عشق
پایان یابد و ته بگیرد. با وجود چنین مشکلات عدیده ای
در طی این سال ها مگر یک عشق چقدر توان دارد؟ زمان
به من ثابت کرد که من قدرت عشق را دست کم گرفتم.
یک عشق پر قدرت می تواند کوهی از موانع و مشکلات را
از سر راه بردارد. یک عشق راستین. عشقی که به سختی
یافت می شود. اما من یافتمش و کاملاً قدرش را می
دانم. اوایل زندگی، سپیده یکی از مخالفین سرسخت من در
زمینه کار در جهاد سازندگی بود و به جنگ رفتنم از طریق
جهاد مخالفتش را دوچندان کرد. با اینحال بعد اینگونه
بازگشتم، نه به رویم آورد و نه خم به ابرویش آورد. مرا
همینگونه پذیرفت، گویا از ابتدا که مرا در آن همسایگی

احساس می کنم چقدر خداوند و شهدای رفیقم هوای من
را داشتند. امروز که دیگر به قول معروف از آب و گل در
آمدیم- امیرحسین شغل و درآمد خوبی دارد و زهرای بابا
هم در شرف مادر شدن هست- و در ساحل آرامتری به سر
می بریم، می بینم چه راه پر مشقتی را پشت سر گذاشته
ایم. البته باید اعتراف کرد همه اینها را مرهون شیر زنم،
سپیده هستیم. که روزی کل این بار را یک تنه بر دوش
می کشید و ما به نوعی همه نظاره گر بودیم. یادم هست
چند سال پیش، در زمان ازدواج زهرا، به دلیل شرایط بد
مالی، درخواست وامی از اداره ایتاگران جهاد کرده بودیم.
آنهم بعد از کش و قوسی که با سپیده داشتیم. همین قدر
که مبلغ وام مذکور را دو سال بعد دریافت کردیم که نوش
دارویی بود بعد مرگ سهراب.

زهرا در هنگام ازدواج بسیار آشفته بود و استرس زیادی
داشت. نزدیک مهمترین رویداد زندگیش بود. دنیایی خریدها
و مخارج واجب- با وجودی که زهرا دختر قانعی بود- بدون
پشتوانه ای. پدری که فقط در حد یک سایه حضور داشت.
یک هفته قبل ازدواجش، روزی کنارم نشست. خود را آرام
نشان داد، اما آشوب از چشمانش می بارید. آنی فهمیدم.

شیرزنم و از مناعت طبع مادرش. اما از سیگار کشیدنهایم چیزی برایش نمی گویم. با خود عهد کردم، به محض تولد زهره زندگیم، سیگار را ترک کنم و کنار بگذارم. با خودم بسیار اندیشیده ام. عمر کم تحرک اما پر باری داشتم و در طول زندگی از عشق سرشار بودم. شاید یک جاهایی کمبودهای اقتصادی آزارم داد، اما اگر به عقب باز گردم دوباره انتخاب هایم همین است. من زندگیم بر پایه عشق بود. عاشقانه انتخابیم این بود که به جبهه بروم و عاشقانه جانم را برای وطن هدیه کردم. باور دارم که سپیده هم همین احساس دارد. او هم همه انتخابهایش عاشقانه بود.

باران ریزی باریده است و بوی خاک و گل حیاط را بلند کرده است. چشمانم را که می بندم، به راحتی به گذشته سیر می کنم. به کودکی و خانه پدری. به بازیها و مادر. امروز می نشینم بر روی صندلی ساخت دست دامادم که با عشق و با نیت من ساخته است و در سکوت مطلق به آوای زندگی گوش فرا می دهم. این به من یادآوری می کند که هنوز زنده ام و زندگی را دوست دارم. هر چند به مرگ صدا مبتلا گشته ام، اما درون قلبم هیاهوی زندگی جاریست.

هشتی کوچه زمرد دیده بود اینگونه دیده بود. اوایل مجروحیت من، همکارانم در جهاد سازندگی استان زیاد به دیدنم می آمدند و البته سپیده بعد هر بار آمدنشان گل از گلش می شکفت. اما کم کم آمدها کمتر و کمتر شد و بعدها کاملاً قطع شد. این تنها موردی بود که در ذهن سپید شیرزن من برجای ماند. در این مدت زمان نسبتاً طولانی، تنها خانواده و دوست و فامیل و همکار من، خانواده ام بودند و همین اینها بودند که با وجود تمام مشکلات عدیده اقتصادی، سقفی از عشق برایم ساختند. چند صباح دیگر پدر بزرگ می شوم. چه حس دلچسپی است وقتی می توانی بعد سالها میوه زندگی را در آغوش بگیری و به ثمره عمرت بنگری. آمدنش بسیار شادمانم کرده است و به من قدرتی شگرف اعطا کرده است. هر چند مدت ده ماه و بیست و یک روز است دیگر نمی توانم حرف بزمنم و ساکت و خاموش در گوشه ای آرمیده ام، هر چند مدتی است مرگ صدا را با تمام سلولهای حنجره ام مزه کرده ام، اما به خود قول داده ام تا برای زهره ام قصه هایی شیرین بگویم. همه چیز را برایش تعریف کنم. یا اقلاً بنویسم. برایش بنویسم، از دلتنگی هایم. از عشق بزرگ



جواد کاظم فرحزادی

گزارش آخرین وضعیت از طرح بروزرسانی اساسنامه کانون سنگرسازان بی سنگر

«جوانگرایی»- صحبت کردیم؛ موضوعی که معتقدیم شرط لازم برای «تداوم اثرگذاری و بقای کانون» در آینده است.

در شماره‌های قبلی نشریه (فروردین و اردیبهشت ماه)، در یادداشت‌هایی با عنوان کلی «کانون و راهی که باید برویم (۱) و (۲)» درباره یکی از عرصه‌های مهم نیازمند به تحول در کانون سنگرسازان بی سنگر-یعنی

همچنین گفتیم منظور از این جوانگرایی، نه تنها کنار گذاشتن و بازنشسته کردن پیشکسوتان در امور نیست، بلکه حضور و همراهی فعال پیشکسوتان، از ملزومات اساسی تحقق و موفقیت این امر است. در واقع در رویکرد جدید، با حضور جوانان و درگیر نمودن آنان با اهداف و موضوعات کاری کانون، مأموریت جدیدی بر عهده پیشکسوتان جنگ جهاد خواهد بود، که بیشتر جنبه «تربیتی و کادرسازی» دارد. این مأموریت عبارتست از: برقراری رابطه و انس و گفتگوی متقابل با جوانان علاقمند و دغدغه‌مند، تشکیل اتاق عملیات مشترک در کانون‌ها - با هر نام و بهانه‌ای - برای تعامل و وقت گذاشتن با آنها برای انجام کار مشترک، و نهایتاً آموزش و آماده سازی جوانان برای آینده کانون و کشور. تا بدان جا که این دو نسل با نگاه‌ها، ارزش‌ها و دغدغه‌های یکدیگر آشنا شده و آرمان «انتقال تجربیات» و «ادامه راه و مرام سنگرسازان بی سنگر با کمک نسل جوان» - که در ماده ۱۱ اساسنامه، جزو اهداف کانون ذکر شده - به طور واقعی محقق شود.

از طرفی این را هم گفتیم که تحقق این جوانگرایی در کانون، مستلزم فراهم سازی دو بستر ضروری است. نخست: فضا سازی و تدارک تمهیدات لازم برای جذب، حضور و فعالیت جوانان در کانون، و دوم: بروزرسانی و اصلاح مقررات و آیین نامه هایی که حضور، مشارکت و «عضویت قاعده مند جوانان دارای صلاحیت» در کانون را قانوناً پشتیبانی کند.

به لطف خدا در مدت حدود دو سال و نیم گذشته، در کانون مرکز، این هر دو مهم، زیر نظر مستقیم هیئت مدیره، به طور جدی دنبال شده و به جاهای خوبی رسیده است. و گزارش‌های آن در جلسات فصلی شورای هماهنگی کانون‌ها در این مدت، حداقل در ۳ نوبت ارائه و نظر و مشارکت کانون‌ها در این باره اخذ و به کار گرفته شده است. نظر به اهمیت این موضوع و لزوم آگاهی و همراهی هر چه بیشتر همه ارکان و اعضای محترم کانون در سراسر کشور، گزارشی تفصیلی از موضوع بروزرسانی اساسنامه در دفتر ترویج فرهنگ جهادی کانون مرکز تهیه شده که در

ادامه تقدیم نگاه خوانندگان محترم نشریه می شود:

الف- ضرورت و اهداف بروزرسانی اساسنامه

ضرورت‌ها و اهدافی که ایجاب می‌کرد به بحث اصلاح یا بروزرسانی اساسنامه کانون ورود کنیم، از این قرار است:

۱. جلوگیری از میرایی کانون‌ها در آینده و چاره اندیشی قانونی در این باره

۲. ساماندهی و پاسخ به ابهامات در خصوص عضویت افراد در کانون (ایثارگران، خانواده‌ها، کارکنان جهاد و شرکت‌ها و...) و حدود اختیارات و جایگاه‌های هر یک (ناظر به مکاتبات و استعلامات واصله از کانون‌ها به مرکز) و جلوگیری از اظهار نظر سلیقه‌ای و تفسیرهای متفاوت در این باره

۳. اثربخشی به مصوبه مجمع سال ۹۷ کانون مرکز در خصوص افزایش هیئت امناء

۴. ضرورت انطباق اساسنامه و مقررات داخلی کانون با مقررات جدید وزارت کشور در بخش سمن‌ها (با توجه به آیین جدید تشکل‌های مردم نهاد، ابلاغی ۹۵/۶/۶ هیئت وزیران) و الزام به پیروی از قالب جدید اساسنامه‌های وزارت کشور

۵. حذف و اصلاح برخی تکرارها و تناقض‌ها در متن اساسنامه

۶. تجمیع یا ادغام برخی مواد و تبصره‌های مرتبط در کنار یکدیگر

۷. شفاف سازی و ساختارمند نمودن بیشتر برخی موضوعات از قبیل: شورای هماهنگی فصلی کانون‌ها، قائل شدن جایگاه رسمی برای موسسان و فرماندهان و بزرگان و تعریف حدود اختیارات برای آنها در اساسنامه، مدل گسترش کانون در استان‌ها و شهرستان‌ها و ارتباطات با کانون مرکز، و مواردی از این دست، به منظور بهبود محتوایی، کاهش امکان تفسیرپذیری متعدد و آراستگی بهتر اساسنامه

۸. شفاف سازی و تأمین نظرات واصله از برخی استان‌ها در موضوعات مختلف درباره ارتقای ظرفیت‌های اساسنامه
۹. هماهنگ سازی هر چه بیشتر بین اساسنامه مرکز و

استان ها.

نهایتاً پس از چند نوبت ارسال اصلاحیه توسط وزارت کشور و دفاع و مذاکره از طرف کانون، موفق شدیم تأییدیه کتبی (اولیه) وزرات کشور بر روی یک متن واحد برای اساسنامه مرکز را دریافت نماییم.

تفہیم ارتباط سیستماتیک کانون های استانی و شهرستانی با کانون مرکز، برای کارشناسان و مسئولان مربوطه در وزارت کشور (مرّ آنچه در اساسنامه کانون ها تأکید شده و قانوناً به ثبت رسیده)، به عنوان دو تشکل مردم نهاد مستقل و به ظاهر بیگانه از یکدیگر (از نظر وزارت کشور)، کار دشواری بوده که تا حد زیادی در این دوره از جلسات و مذاکرات انجام گرفته است؛ لکن باید در ادامه نیز بر این موضع قانونی تأکید و از آن دفاع شود.

ج- مهمترین تغییرات صورت گرفته در متن جدید

اساسنامه

مهمترین تغییراتی که در متن جدید اساسنامه نسبت به نسخه قبلی اعمال شده است، از این قرار است:

۱. تغییر نوع تشکل، از امنایی به عضو پذیر (هم مرکز و هم استان ها)

۲. اضافه نمودن متن سند برنامه های محوری کانون (راہبردهای ۴گانه: دیدار، حمایت، حفظ یاد و ادامه راه؛ مصوب دوره های قبلی هیئت مدیره در زمان شهید عظیمی)، به متن اساسنامه (ماده ۹)

۳. تجميع برخی مطالب مرتبط یا تکراری و بعضاً به ظاهر متناقض در ماده های مختلف در کنار یکدیگر (مانند ماده ۱۱ نسخه جدید که مطالب پراکنده درباره کانون های استان ها را با تیتیر «کانون و دفاتر نمایندگی» یکجا آورده ایم)

۴. ساماندهی بحث کلیات عضویت در کانون و انواع و حدود و شرایط آن (ماده ۱۰)؛ تا اندازه ای که لازم است در اساسنامه قید شود (با این نگاه که جزئیات بیشتر در همین چارچوب، می بایست در آیین نامه داخلی تدوین و تبیین شود).

۵. طراحی «شورای فوق العاده راهبری کانون ها» برای

ب- سابقه و مسیر طی شده در ۲ سال گذشته

سابقه طرح موضوع بازخوانی و بروزرسانی اساسنامه به اوایل سال ۱۳۹۹ و ارائه گزارشی از مغایرت ها و ابهامات موجود در اساسنامه و برخی مکاتبات رسمی واصله از استان ها در این باره بر می گردد. که نهایتاً با پیگیری مدیرعامل محترم کانون، کارگروه حقوقی زیر نظر هیئت مدیره مأمور به بررسی و مطالعه موضوع شد. و در ادامه، در جلسه فصلی خردادماه ۹۹ این موضوع در قالب پاورپوینتی با مدیران کانون ها طرح بحث و دیدگاه های اولیه دریافت شد.

در ابتدا تلاش بر این بود این بروزرسانی ها در حد تدوین یک «آیین نامه جامع عضویت» انجام شود. لکن طی بحث و بررسی ها در کارگروه حقوقی، ضرورت بروزرسانی اساسنامه محرز و به هیئت مدیره گزارش شد. و مقرر شد دنبال شود.

به موازات همین موضوع در مردادماه ۱۳۹۹ پس از بحث و بررسی های کارشناسی طولانی، پیش نویس اولیه ای در قالب آیین نامه جامع عضویت جهت اظهار نظر، به طور رسمی به استان ها ارائه شد و نظرات یک به یک استان ها کتبی یا شفاهی دریافت و ثبت شد. آنچه در این آیین نامه آمده بود، شاکله تغییراتی بود که قرار بود بروزرسانی اساسنامه (با حداقل تغییرات)، همسو با آن رقم بخورد.

پس از دریافت نظرهای استان ها، فرایند کار بر روی اساسنامه ها (اول مرکز و بعد استان ها) شروع شد و ضمن تشکیل جلساتی با کارشناسان وزارت کشور و رفت و برگشت های متعدد با اعضای هیئت مدیره، تا اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ قریب ۱۴ نسخه ویرایش در مورد تغییرات اساسنامه تولید و آخرین نسخه نهایی شد.

پس از اطمینان از اینکه به مدل مد نظر کانون رسیده ایم، وارد فاز دوم یعنی مذاکره جدی تر با وزارت کشور و ریختن محتوای مورد تایید خود کانون، در قالب مورد نظر وزارت کشور شدیم. در این باره نیز جلسات و مکاتبات متعددی تا همین تیرماه ۱۴۰۱ با وزارت کشور انجام شد، و

ه- اقدامات پیش رو

در حال حاضر اقداماتی که باید بصورت گام به گام و به سرعت در درون مجموعه کانون پیگیری و انجام شود از این قرار است:

۱. برگزاری سریع مجمع فوق العاده برای کانون مرکز و تصویب اساسنامه جدید مورد تأیید و توافق وزارت کشور و کانون. و انجام امور ثبتی مربوطه تا مرحله جایگزینی رسمی و قانونی اساسنامه جدید.

۲. همسان سازی متن اساسنامه تیپ استان ها منطبق با تغییرات اخیر مورد تأیید وزارت کشور در مرکز. و اقدام برای ثبت اساسنامه جدید در استانداری ها (همزمان با پیگیری امور ثبتی برخی استان ها که به انجام نرسیده است)، و یکپارچه سازی.

۳. پیگیری متمرکز برای انعقاد تفاهم نامه با وزارت کشور برای ابلاغ سراسری اساسنامه تیپ استان ها به استانداری های سراسر کشور؛ همراه با ابلاغ مقررات ویژه برای امورات ثبتی و... استان ها؛ مطابق آنچه در اساسنامه ها قید شده است. با هدف اینکه تعاملات سلیقه ای در استانداری ها، چه در بعد ثبت و چه در سایر امور پایان یابد؛ و ضمناً بحث انحصار در نام «سنگرزبان بی ساز» و لزوم استعمال برای تأسیس سمن هایی که با عنوان سنگرزبان بی سنگر درخواست داده می شوند رعایت شود؛ و همچنین روابط سیستماتیک بین کانون های استانی و بین آنها با مرکز، همان طور که برای مجموعه کانون تعریف شده است، برای تشکیلات وزارت کشور و استانداری ها نیز تعریف شده باشد (مدلی بومی، شبیه به اتحادیه یا مدل «شبکه» در دستورالعمل های فعلی وزارت کشور).

۴. تمهید و فراهم سازی بستر و زمینه های اجرایی و عملیاتی تحقق اهداف اساسنامه جدید و جذب، فعالیت و رشد جوانان و افراد ذیصلاح به کانون ها، در حدود تعریف شده در اساسنامه؛ و با تدوین و ابلاغ نهایی آیین نامه عضویت جدید.

شرایط خاص و اضطراری (ماده ۱۶).

۶. وجاهت بخشی قانونی به «شورای هماهنگی کانون ها» در اساسنامه و مصوبات آن (ماده ۲۴).

د- آخرین وضعیت موجود در بحث بروزرسانی

اساسنامه

در بحث بروزرسانی اساسنامه به طور کلی در ۲ جبهه نیازمند اقدام، و دریافت همکاری از وزارت کشور بوده و هستیم:

۱- ثبت و اصلاح و یکسان سازی اساسنامه تیپ کانون های استان و شهرستان ویژه سنگرزبان بی سنگر در سراسر کشور (به عنوان تشکل مردم نهاد استانی)؛ با تأیید کانون مرکز (به عنوان تشکل مردم نهاد ملی بالاسری)؛ به منظور:

اولاً: تقویت انسجام درون تشکیلاتی و ارتباط نظام مند و حقوقی کانون ها با یکدیگر؛

ثانیاً: تعریف ساز و کار روان و یکسان برای امورات ثبتی و قانونی آنها (مژ اساسنامه ثبت شده و مورد تأیید وزارت محترم کشور) با رعایت ضوابط مندرج در اساسنامه کانون مرکز از جمله: ماده ۹، تبصره ۱ و ۴ ماده ۱۷ و ماده ۴۵ (موضوع نحوه تاسیس، فعالیت و انحلال کانون های استانی و شهرستان ویژه سنگرزبان بی سنگر)؛

و ثالثاً: الزام به استعمال از کانون مرکز جهت ثبت هر گونه تشکل ملی یا استانی با پسوند یا پیشوند «سنگرزبان بی سنگر» در سراسر کشور.

مجموعه این اتفاقات می بایست در ادامه، از طریق پیگیری انعقاد تفاهم نامه یا ابلاغ مقررات ویژه در رابطه با امورات کانون ها به استانداری ها انجام پذیرد.

۲- (پس از اجرای بند ۱) پیگیری و مساعدت در جایگزینی سریع متون اساسنامه جدید مورد تصویب هیئت مدیره کانون مرکز و مورد تأیید و توافق وزارت کشور با اساسنامه های موجود و ثبت شده فعلی در وزارت کشور و استانداری ها.

از ایثارگران به...

در ادامه ی رسالت نشریه سنگر سازان بی سنگر برخی از سوالات و خواسته های مجموعه ایثارگران در این صفحه مطرح می گردد. از همه بخش های مرتبط با موضوعات مطرح شده خواهشمندیم هرگونه پاسخ و اقدام خود را جهت انعکاس در همین صفحه به نشریه گزارش نمایند:

همین نشریه بخشی از انجام رسالت فرهنگی کانون است که به صورت مرتب و با محتوایی متنوع و متناسب با نیاز فرهنگی جامعه و خانواده ی ایثارگران جهاد، در حوزه تبیین فعالیتهای جهاد و پ م ج م در حال انجام است. کانون در ارتباط با رسالت ترویجی خود با تشکیل دفتر ترویج فرهنگ جهادی و دفتر جوانان نیز با استفاده از ظرفیت پیشکسوتان و دانشگاهیان و با دغدغه مندی بالا در حال انجام وظیفه است. تشکیل مرتب جلسات فصلی و بیان مشکلات و دعوت از متولیان جهت پاسخگویی و همچنین اقدامات و پی گیری های مستمر همکاران کانون در مرکز و... نشان از تلاش کانون در حوزه ی رسالت های صنفی ایثارگران دارد که بر هر نقاد منصفی پوشیده نیست.

اما در مورد تبیین نقش پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در نشریه باید گفت؛ با توجه بیان مکرر تاریخچه عملیات ها و نقش آماری و تاریخی پ م ج ج، و وجود این آمار و اطلاعات در منابع مختلف و در دسترس مخاطبان، اکنون زمان پرداختن به یافته های کاربردی حرکت پ م ج ج جهت گشایش در حرکت انقلاب و در راستای تسریع در موفقیت های نظام جمهوری اسلامی و بالا بردن میزان اعتماد ملت به نظام و انقلاب است. دقیقاً نشریه سنگر سازان بی سنگر از این منظر هدف گذاری نموده و کمابیش نیز موفق بوده است؛ گرچه بیان تاریخچه و چگونگی حضور جهادگران پشتیبانی و مهندسی در عملیات های مختلف؛ هرچند گاه، خالی از لطف نیست و مورد قبول است.

* ضمن تشکر از برگزاری جلسه فصلی هشتم تیرماه، اعلام می دارم؛ آنچه در نشریه شماره ۱۰۴ سنگر سازان ملاحظه می شود؛ جهاد سازندگی است و آنچه اصلاً ذکر می از آن به میان نیامده کانون، رسالت کانون و پ م ج ج است. * علی رغم تذکرات و پی گیری های مکرر و نیاز ایثارگران، هنوز کمیسیون مرکزی ایثارگران در وزارتخانه شکل نگرفته است؛ نقش این کمیسیون در خدمات دهی مناسب به ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی بسیار مهم است! * با توجه به توان برخی از کانون های استانی و علی رغم مجوز قانونی برای برون سپاری انجام بعضی از کار های فرهنگی و... این اقدام از سوی سازمان جهاد کشاورزی استان ها صورت نمی پذیرد.

چرا هنوز برخی از کانون های سنگر سازان بی سنگر در استان ها، مکان مناسبی برای انجام فعالیت های خود ندارد؟

از ... به ایثارگران

کانون سنگر سازان بی سنگر: در مورد سوال اول، ضمن تشکر از این برادر بزرگوار و همه کسانی که نقد های منصفانه ای جهت ارتقاء نشریه داشته اند؛ موارد زیر را اعلام می دارد:

مورد اول نقد ایشان به صورت مستقیم به فعالیت کانون های استانی و انعکاس آن جهت درج در نشریه بر می گردد و نشریه نمی تواند از سوی خود تولید محتوا برای کانون ها نماید.

اما در مورد رسالت کانون در مرکز باید گفت که انتشار

جهت استحضر

با توجه به رسالت نشریه سنگر سازان بی سنگر از این پس برخی از قوانین، مقررات و تسهیلات اختصاص یافته به ایثارگران، جهت آگاهی و بهره برداری لازم این بزرگواران ارائه می گردد. امید است این حرکت اندک بتواند در تبیین نوع و نحوه خدمات قابل ارائه به این عزیزان کمکی هرچند ناچیز بنماید.

بخشنامه تبدیل وضعیت ایثارگران در سال

۱۴۰۱

دستورالعمل نحوه اجرای بند «و» تبصره (۲۰) قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور موضوع تبدیل وضعیت ایثارگران در سال ۱۴۰۱ از سوی میثم لطیفی- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور و مسعود میرکاظمی- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور ابلاغ شد.

در دستورالعمل نحوه اجرای بند «و» تبصره (۲۰) قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور، موضوع تبدیل وضعیت ایثارگران در سال ۱۴۰۱ که به کلیه دستگاههای اجرایی مشمول ماده (۲) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران ابلاغ شده است، آمده است:

در اجرای ماده (۴۳) ضوابط اجرایی قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور، دستورالعملهای ابلاغی موضوع بخشنامههای شماره ۱۳۷۵۸ مورخ ۱۹/۳/۱۴۰۰، شماره ۶۹۴۰۵ مورخ ۹/۱۲/۱۴۰۰ و شماره ۶۸۱۳۵ مورخ ۴/۱۲/۱۴۰۰ با رعایت موارد زیر تنفیذ می شود:

۱- مشمولین ماده (۲۱) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران که تا پایان بهمن ماه سال ۱۴۰۰ در آن دستگاه مشغول به کار باشند مشمول این قانون می گردند.

۲- شرکتها، بانکها و مؤسسات غیرانتفاعی وابسته به دولت نیز مشمول حکم بند قانونی صدرالذکر می باشند.

۳- تبدیل وضعیت مشمولین به معنای ارتقاء جایگاه شغلی آنان نمی باشد. بدیهی است تغییر نوع وظایف، پست سازمانی و شغل یا ارتقاء جایگاه شغلی آنان بعد از تبدیل وضعیت در

چارچوب قوانین و مقررات امکان پذیر می باشد.
۴- چنانچه فرد مشمول این بخشنامه خواستار ادامه همکاری با دستگاه به شکل وضعیت فعلی (عدم تبدیل وضعیت به استخدام رسمی) باشد، دستگاه اجرایی اعلام کتبی فرد مشمول مبنی بر عدم درخواست تبدیل وضعیت استخدامی را اخذ و به عنوان مستند عدم تبدیل وضع در سوابق مربوطه نگهداری نماید.

۵- ایثارگران مشمول که بر اساس قانون مربوط به خدمت پزشکان و پیراپزشکان مصوب ۱۳۷۵ به خدمت اشتغال دارند، در شمول این بخشنامه قرار می گیرند. بر این اساس، پاسخ سؤال (۸) منضم به بخشنامه شماره ۶۸۱۳۵ مورخ ۴/۱۲/۱۴۰۰، اصلاح می گردد.

۶- با استناد به بند (ب) تبصره (۲۰) قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور و ماده (۹) ضوابط اجرایی آن به شماره ۲/۲۱۵۰۲/ت-۵۹۷۴۰ مورخ ۱۵/۲/۱۴۰۱، چنانچه اعتبار لازم برای تبدیل وضعیت نیروهای مشمول، از محل اعتبارات ابلاغی و در سقف تخصیص اعتبار دستگاههای اجرایی و منابع داخلی شرکتها، بانکها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت قابل تأمین باشد، نیازی به اخذ تأییدیه تأمین اعتبار از سازمان برنامه و بودجه کشور نبوده و تبدیل وضعیت نیروهای مشمول با رعایت قوانین و مقررات مربوطه از جمله اخذ شماره مستخدم از سامانه یکپارچه نظام اداری (کارمندیان) بلامانع است. بر این اساس، ماده (۹) بخشنامه شماره ۶۹۴۰۵ مورخ ۹/۱۲/۱۴۰۰، اصلاح می گردد.

۷- مفاد این دستورالعمل در موافقتنامه دستگاههای مشمول ضوابط اجرایی قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور لحاظ می شود و برای مدیران مربوط لازم الرعایه است.



کانون سگرسازان بی سگر

نشریه فرهنگی - خبری

سنگر سازان

شماره ۱۰۵ - مرداد ماه ۱۴۰۱

کانون سگرسازان بی سگر
همه با هم سازندگی

اخبار -
کانون مرکز استانها
وشهرستانهای ویژه



ما از معاون وزارت جهاد کشاورزی می خواهیم هر چه سریع تر کمیسیون مرکزی امور ایثارگران را احیاء کند



مثلاً نسبت واگذاری در استان های مختلف متفاوت است. طرح راه حل این مسئله هم وجود دارد که اگر اجرایی شود ان شاء الله به صورت ریشه ای مشکل حل خواهد شد.

وی با اشاره به لزوم حفظ و ثبت فعالیت های سنگرزبان بی سنگر در دوران دفاع مقدس اشاره کرد: موضوع دایره المعارف دفاع مقدس قبلاً برنامه ریزی شده است. امیدواریم اداره کل امور ایثارگران و کانون با کمک یکدیگر این موضوع را پیگیری کنند که نیازمند حمایت ویژه معاون محترم توسعه منابع و مدیریت وزارت است.

نایب رئیس هیئت مدیره کانون سنگرزبان بی سنگر با اشاره به بحث حقوق لشگری جانبازان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد گفت: این موضوع از دیگر مواردی است که معطل مانده است. امیدواریم این کار به صورت ویژه پیگیری شود تا ان شاء الله جامعه عزیز ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی از آن بهره مند گردند.

دارایی نژاد با اشاره به اینکه لقب سنگرزبان بی سنگر

نایب رئیس هیئت مدیره کانون سنگرزبان بی سنگر در سی و دومین جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون سنگرزبان بی سنگر استان ها و شهرستان های ویژه گفت: در سال های ۸۲ و ۸۳ با هماهنگی که در مجموعه وزارت جهاد کشاورزی و فرماندهان جنگ ایجاد شد، بنا شد چند تشکیلات ایجاد شود تا به نوعی این فشار روی مسئولین جهاد کمتر شود و به نوعی اینها پاسخگوی نیازهای جامعه ایثارگری وزارت جهاد کشاورزی باشند.

عباس دارایی نژاد با اشاره به اینکه جهاد ۵۴۰ هزار نفر نیرو به جبهه های دفاع مقدس اعزام کرده است افزود: کمیسیون امور ایثارگران برخی از مشکلات ایثارگران از جمله سوابق و... را پیگیری و حل می کرد که متأسفانه چند وقتی است که تعطیل شده است. ما از معاون محترم توسعه وزارت جهاد کشاورزی می خواهیم هر چه سریع تر این کمیسیون را احیاء کند تا به حل اینگونه مشکلات بپردازد.

دارایی نژاد با اشاره به واگذاری سهام به ایثارگران گفت: بنا بر این بود که یک همسان سازی در این موضوع انجام شود. چون

را که مطرح کردیم برای این است که ان شاء الله فشاری را از روی وزارت جهاد کشاورزی برداریم و بتوانیم به ایثارگران محترم خدمت رسانی بهتری کنیم.

لازم به ذکر است سی و دومین جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون سنگرسازان بی سنگر استان ها و شهرستان های ویژه روز چهارشنبه ۸ تیر ماه ۱۴۰۱ برگزار گردید.

توسط امام راحل به ایثارگران جهاد داده شده است گفت: آیا این زشت نیست که سازمان بازنشستگی ۵۰ درصد این موضوع را قبول دارد. از معاون محترم وزیر جهاد کشاورزی می خواهیم به صورت جدی این مسئله را پیگیری کنند.

وی تصریح کرد: بحث مکان استقرار کانون ها از دیگر مسائلی است که بایستی برای آن فکری کرد. ما این مسائلی



پیشنهاد من این است که یک کمیته ای تشکیل شود و مسائل صنفی ایثارگران را پیگیری نماید



انصافا باید آن سنگرسازان بی سنجر که اسم بسیار جالبی هست، آن رشادت ها باید زنده بماند و برای نسل جدید تجسم پیدا کند. امیدواریم جلساتی که جناب آقای صدوری داشتند به نتیجه برسد. من هم خودم پای کار وارد می شوم، سعی می کنم با بانک مشکلمان را حل کنیم و اگر نیاز هست امکاناتی بدهیم. متولی این موضوع هم باید کانون سنگرسازان بی سنجر باشد و ما هم در خدمتشان باشیم. آن موضوع باید بتواند ارزش های دفاع مقدس را به خوبی نمایش بدهد.

وی ادامه داد: در مورد مسائل صنفی ایثارگران که مطرح شد، من از آقای صدوری می خواهم یک کمیته ای را تشکیل بدهند، اگر چه باید این کارها قبلا انجام می شد که نشده است. اشتباه محضی هم هست که انجام نشده است. من پیشنهادم این است که یک کمیته ای تشکیل شود و این مسائل را پیگیری نماید. ما باید با کمک هم این مشکلات را حل کنیم. فقط معاونت توسعه نباشد که قول بدهد مشکلات را حل کند. با همکاری دوستان کانون سنگرسازان بی سنجر بایستی این مسائل را حل کرد.

معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی در سی و دومین جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون سنگرسازان بی سنجر استان ها و شهرستان های ویژه گفت: بحث هایی که آقای دارایی نژاد فرمودند هیچ کدام خارج از حوزه منطق نبود، یعنی همه آنها منطقی و به حق است. این خواسته ها در طول سالیانی بر زمین مانده است. عزیزی که در عرصه جنگ و جهاد بوده اند یادگارانی هستند که شاید نیاز به این موضوعات نداشته باشند، ولی بر ما فرض است که آن احترام لازم و آن چیزی که حق شان است را بدهیم. سلام واجب نیست ولی جواب سلام واجب است. برای ما این موضوعات جواب سلام است.

علی اکبر متکان در مورد کمیسیون مرکزی امور ایثارگران تصریح کرد: در حال انتخاب افراد این کمیسیون هستیم. کسانی که دارند انتخاب می شوند از همین جمع هستند و امیدوارم در هفته آینده اعلام شود. دوستان اشاره کردند که این مورد کمیسیون معطل مانده است، نخیر معطل نمانده است و در حال انجام است.

متکان در مورد بحث زمین موزه دفاع مقدس اشاره کرد: بحث زمین موزه دفاع مقدس جهاد موضوع مهمی است.

حل مشکلات ایثارگران در زمینه اخذ سوابق ایثارگری از وزارت جهاد کشاورزی نیازمند همت ویژه‌ای است



کل امور ایثارگران را بخوبی می‌دانیم. اما لازم است با توجه به اهمیتی که دارد این موضوع در دستور کار جدی شما قرار بگیرد. نیروها به استان‌ها فشار می‌آورند. بایستی برای این موضوع راه حلی پیدا کنیم.

صدوری در ادامه گفت: نکته دیگری که بایستی یادآوری کنم این است که مدت‌هاست کمیسیون مرکزی تشکیل نشده است. خیلی از مشکلات به دست این کمیسیون حل می‌شد. الان حتی سوابق ایثارگری که از استان‌ها ارسال می‌شود معطل می‌ماند. فلذا این کار فوق‌العاده اهمیت دارد. اصراری هم بر اینکه چه کسانی عضو این کمیسیون باشند، نیست؛ ولی اصل موضوع این است که این کمیسیون هر چه سریع‌تر تشکیل شود.

وی با اشاره به گردهمایی فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد افزود: سه سال است که گردهمایی فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد تشکیل نشده است. این جلسات همه ساله با حضور مسئولان کشوری و لشگری برگزار

مدیر عامل کانون سنگرزنان بی‌سنگر در سی و دومین جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون سنگرزنان بی‌سنگر استان‌ها و شهرستان‌های ویژه گفت: یکی از خواسته‌های همیشگی کانون‌ها این بود که تفاهمنامه‌ای با اداره کل امور ایثارگران امضاء شود تا بر مبنای آن کانون استان‌ها هم بتوانند با ادارات ایثارگران همکاری داشته باشند. این قرارداد در زمان آقای رضوی انجام شد و ما چند جلسه هم خدمت آقای دکتر عبدی داشتیم، تا آن را اجرایی کنیم. دوستان نظرشان این است که آن را اجرایی‌تر کنیم. قرار بر این شد که روی آن بیشتر کار کنیم و امیدواریم طی ماه جاری آیین‌نامه اجرایی این تفاهمنامه هم تنظیم شود و تلاش می‌کنیم توسط معاون محترم توسعه وزارت جهاد کشاورزی ابلاغ شود. علت آن هم دست به عصا حرکت کردند روسای جهاد کشاورزی استان‌ها است.

محمد صدوری با اشاره به موضوع صدور کارت ایثار برای ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی تصریح کرد: مستحضری تمام ارگان‌هایی که مسئولیتی در زمینه کارت ایثار داشتند کار خود را شروع کرده‌اند و می‌توانیم بگوییم که جهاد از همه عقب‌تر است. ما مشکلات بودجه‌ای و نیروی انسانی اداره

مدیر عامل کانون سنگرزبان بی سنگر با اشاره به مشکلات بازنشستگان ایثارگر وزارت جهاد کشاورزی با صندوق بازنشستگی کشوری گفت: حدود ۲۰ ماه است که امتیاز ایثارگری بازنشستگان جهادی در حال اعمال هستند. بر اساس برداشت اشتباهی که صندوق بازنشستگی داشت ۵۰ درصد محاسبه کرده است. برخی از استان ها اصلا همین ۵۰ درصد را هم اعمال نکرده اند. ما در جلسات مختلفی این موضوع را پیگیری کردیم ولی هنوز هیچ پیشرفتی حاصل نشده است. ضروری است که این مشکل را به صورت ویژه پیگیری کنیم.

صدوری در پایان گفت: ما زمانی در وزارت جهاد کشاورزی سهمیه سربازی زیادی داشتیم که این هم ظاهرا به مشکلاتی خورده است. امیدواریم این مشکل را هم پیگیری کنید. با حل این مشکل، برخی از مشکل نیاز به نیروی انسانی اداره کل امور ایثارگران هم حل شود.

می شود. این یک بعد مطرح شدن ملی هم داشته است. این برای جهاد خیلی اهمیت داشته است. این از چیزهایی است که انتظار داریم پیگیری کنید و ان شاء الله امسال برگزار شود.

صدوری تاکید کرد: حل مشکلات ایثارگران در زمینه اخذ سوابق ایثارگری از وزارت جهاد کشاورزی و سازمان بسیج از دیگر مسائلی است که نیازمند همت ویژه ای است. در مقطعی پرونده های ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی به سازمان بسیج منتقل شد. این در حالی است که جهاد مرجع صدور گواهی جنگ هست ولی ما این شرایط را از دست داده ایم. متأسفانه برخی از استان ها خبر می دهند که اگر گواهی جبهه جهاد ارائه شود بهانه آورده می شود که حتما بایستی بروید از بسیج گواهی بگیرید و اگر این روند ادامه پیدا کند این گواهی ها ارزش خود را از دست می دهند. من پیشنهاد می کنم یک کارگروهی مسئول به سرانجام رساندن این موضوع شود.



امیدواریم با همدلی که از ابتدا بوده و ان شاء الله تقویت شود مشکلات را حل کنیم



وی با اشاره به صدور کارت ایثار برای ایثارگران افزود: در مورد کارت ایثار، چه بخواهیم و چه نخواهیم ارائه خدمات تنها با کارت ایثار خواهد بود. اگر این موضوع اجرایی شود، قطعاً ما با حجم زیادی از متقاضیان مواجه خواهیم شد و بایستی از هم اکنون برای حل مشکلات راه حلی پیدا کنیم. ما در جلساتی که ستاد کل نیروهای مسلح داشته ایم این موضوع را پیگیری کرده ایم ولی خب مشکلاتی هم وجود دارد که بایستی شما به کمک ما بیایید.

عبدی در ادامه گفت: در مورد ماده ۸۷، مغفول مانده بود. ما در جلساتی که با ستاد کل نیروهای مسلح و بنیاد شهید داشتیم به لطف الهی تعامل خوبی برقرار شد. آقای دکتر متکان هم این موضوع را به اداره کل تفویض اختیار کرده اند. بخش عمده ای از کار پیش رفته است. شاخص های ما با ستاد کل نیروهای مسلح نمی خواند و ما در تلاشیم این شاخص ها را بومی کنیم. اقدامات عملیاتی انجام شده است و منتظریم بنیاد شهید اعلام کند تا پرونده ها به صورت ویژه در این بنیاد مطرح شود.

مدیر کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی در سی و دومین جلسه فصلی شورای هماهنگی کانون سنجسازان بی سنگر استان ها و شهرستان های ویژه گفت: مطالبات شما به حق است و امیدواریم با همدلی که از ابتدا بوده و ان شاء الله تقویت شود مشکلات را حل کنیم. ما بایستی با امید پیش برویم و تقویت این امید وظیفه بنده و شما عزیزان است. محمدرضا قائد عبدی افزود: ما بنا را بر این گذاشتیم که شعار ندهیم و در اجرا به کمک هم عزیزان کانون و هم مسئولین وزارت جهاد کشاورزی نیاز داریم. وجه اشتراک بسیار زیادی با هم داریم که بایستی بر روی آنها متمرکز شویم و به اجرا برسانیم.

عبدی تصریح کرد: ما از مسئولین استانی هم درخواست کرده ایم و می کنیم که با همکاری کانون ها به حل مشکلات ایثارگران بپردازند. سفرهای استانی مان هم ان شاء الله با همراهی مدیر عامل محترم کانون سنجسازان بی سنگر انجام خواهد شد و این همدلی و وحدت و انسجام را بایستی ارتقاء بدهیم.



پرونده ها شد که در حال انجام آن هستیم.

عبدی در پایان گفت: در مورد ساختمان استقرار کانون ها در حد توان این موضوع را پیگیری خواهیم کرد.

مدیر کل امور ایثارگران در مورد کمیسیون مرکزی امور ایثارگران افزود: بخش عمده ای از مطالبات ایثارگران برای عدم تشکیل این کمیسیون روی زمین مانده است. ما بر اساس ظرفیت قانونی که کارت ایثار ایجاد کرده بود، کمیته احراز مرکز را تشکیل داده ایم. در این دو هفته بیش از ۳۰۰ پرونده بررسی شده است. اولویت ما هم ارسال پرونده استان ها است و آنهایی که مشکلی ندارند در همین کمیته تایید می شود ولی پرونده هایی که نیاز به نظر کارشناسی دقیق تری هست، به کمیسیون مرکزی امور ایثارگران ارسال خواهد شد.

وی در ادامه افزود: در مورد پیگیری حقوق بازنشستگان ایثارگر وزارت جهاد کشاورزی پیگیری های متعددی کرده ایم. در آخرین جلسه یک تیم تخصصی مسئول بررسی مجدد

تقدیر از کانون‌های سنگر سازان بی سنگر فعال در تدوین کتاب‌های فاخر کشوری



The background features intricate, light-colored Islamic calligraphy and geometric patterns. A large, bold, white calligraphic title is centered, set against a vibrant red, brush-stroke-like circular backdrop. The title is written in a stylized, flowing script. Above the main title, there is a small, ornate red decorative element. Below the main title, there is another similar red decorative element. The overall design is highly artistic and evokes a sense of solemnity and reverence.

ایمان و عبادت

السلام علیکم

فرارسیدن سالروز شهادت امام سجاد (ع) تسلیت باد



حرکت اسلامی
آینده ما